

بحران بالکان،
دخالت نظامی یا راه حل سیاسی؟

در صفحه ۱۲

وزیر آموزش عالی:
ایران رکورد دار
فرار مغزها
به قرب است

دکتر مصطفی معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی در دومین گردهمایی معاونان پژوهشی دانشگاهها و روسای مراکز تحقیقاتی (۱۸ آذر) سیاست فعالیتهای تحقیقاتی دولت را بشدت مورد انتقاد قرار داد. وی گفت: جمهوری اسلامی با اختصاص ۳/۵ درصد از درآمد ناخالص ملی به امر تحقیق در زمره کشورهای عقب مانده جهان است. وی تعداد محققین در ایران را ۹۰ نفر به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت خواند و افزود این در حالی است که این میزان در کشورهای پیشرفته بیش از ۲ هزار و ۸۰۰ نفر است. وزیر فرهنگ و آموزش عالی سیاستهای سازمان برنامه و بودجه در خصوص آموزش عالی را نادرست خواند و گفت: طرح ارزیابی شده توسط سازمان برنامه و بودجه بطور کلی از مضامین و محتوای ادامه در صفحه ۴

ابراز نگرانی فراینده بخاطر نقض حقوق بشر در ایران

- سران جامعه اروپا جمهوری اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر و فتوای قتل رشدی محکوم کردند.
- پارلمان آلمان: اگر سلمان رشدی ترور شود فشارهای سیاسی و اقتصادی شدیدی به ایران وارد خواهیم آورد.
- عفویین الملل: اعدام های پنهانی و خودسرانه در ایران ادامه دارد.

نشارهای سیاسی و اقتصادی شدیدی به جمهوری اسلامی وارد خواهند آورد. از سوی دیگر سازمان عفویین الملل در آخرین اعلامیه خود که روز ۷ دسامبر در لندن انتشار یافت حکومت اسلامی را متهم کرده است که همچنان به اعدامهای پنهانی و خودسرانه مخالفان خود ادامه می دهد. در اعلامیه عفویین الملل اسامی تعدادی از آخرین زندانیان سیاسی اعدام شده توسط حکومت جمهوری اسلامی نیز آمده است که از اعضا هواداران مجاهدین خلق، دکتر علی شریعتی، حزب دموکرات کردستان ایران و کومله بوده اند. نام دکتر علی مظفریان که

دو هفته پس از محکومیت رژیم جمهوری اسلامی در کمیته سوم سازمان ملل متحد بخاطر نقض حقوق بشر در ایران، اجلاس سران جامعه اروپا در ادینبورگ اسکاتلند روز یکشنبه ۱۵ دسامبر در بیانیه ای حکومت جمهوری اسلامی را بخاطر تجاوز به حقوق انسانی مردم ایران، و خریدهای کلان تسلیحاتی که موجب تهدید ثبات و امنیت منطقه می شود، مورد انتقاد قرار دادند. در این بیانیه سران جامعه اقتصاد اروپا از حکومت جمهوری اسلامی خواسته اند تا رفتار مطابق با معیارهای قابل قبول بین المللی در پیش بگیرد. در بیانیه تاکید می شود که باید با حکومت

رژیم جمهوری اسلامی در کمیته سوم سازمان ملل متحد بخاطر نقض حقوق بشر در ایران، اجلاس سران جامعه اروپا در ادینبورگ اسکاتلند روز یکشنبه ۱۵ دسامبر در بیانیه ای حکومت جمهوری اسلامی را بخاطر تجاوز به حقوق انسانی مردم ایران، و خریدهای کلان تسلیحاتی که موجب تهدید ثبات و امنیت منطقه می شود، مورد انتقاد قرار دادند. در این بیانیه سران جامعه اقتصاد اروپا از حکومت جمهوری اسلامی خواسته اند تا رفتار مطابق با معیارهای قابل قبول بین المللی در پیش بگیرد. در بیانیه تاکید می شود که باید با حکومت

تبریک
سال نو میلادی

فرارسیدن سال نو میلادی را به هموطنان مسیحی تبریک می گوئیم و برای جامعه از امنه و آسوری میمنمان، در سال جدید ۱۹۹۳ شادکامی و موفقیت در مبارزه علیه استبداد و تبعیض دینی و فرهنگی آرزو می کنیم. باشد که سال نو میلادی، برای بشریت سال تحقق حقوق بشر در گستره وسیع تری از جهان، اطفاء آتش جنگ در کانون های بحران، محاربه مسابقه جنون آمیز تسلیحاتی در سطح بین المللی، توقف موج نژادپرستی، تدابیر فوری در راه مقابله با فقر و گرسنگی فراینده در جهان، و سال همکامی و اتحاد همه نیروهای انسان دوست، دموکرات، مترقی و عدالتخواه گردد. با آرزوی نیکی جهان و فیکروزی جهانیان، سال تازه میلادی را به پیشوا میرویم.

تهدید جدید وزارت اطلاعات

وزیر اطلاعات: مجامین فرهنگی اهداف خود را از طریق ترانه، شعرها، مقالات و نمایشنامه بیان میکنند. عوامل تعاجم فرهنگی در سطح بین المللی شناسایی می شوند. شعرها، مقالات و نمایشنامه بیان ضدیت خود را با اسلام و انقلاب اعلام می نمایند. فلاحیان گفت: برای مقابله با تعاجم فرهنگی دشمن باید با حربه فرهنگی به صحنه مبارزه رفت و با معرفی کردن سوابق و نوشته های قلم بدستان در خدمت اجانب، آنان را به مردم معرفی نمود. او در قسمت دیگری از سخنان خود که به توضیح برنامه های وزارتخانه اطلاعات در مبارزه با مخالفان جمهوری اسلامی اختصاص داشت، گفت: بر خود با عناصر طرفدار خط مشی مسلحانه و ناراضی تراشی در جامعه جزو برنامه های وزارتخانه اطلاعات است. او همچنین تاکید کرد که: جمهوری اسلامی متهم است با کشف توطئه های دشمن اجازه اخلاقی است، افزود: عناصر دست نشانده استخبار با برنامه ریزی، اهداف خود را از طریق ترانه،

خریدهای تسلیحاتی رژیم
توسط سران جامعه اروپا محکوم شد

روندی که ایران را به زرادخانه تسلیحاتی تبدیل می کند و ثبات و امنیت منطقه را بخطر می افکند، ارزیابی شد. بدنبال اجلاس بن به تاریخ ۲۰ نوامبر که در آن نمایندگان ۷ کشور صنعتی آمریکا، انگلیس، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و ژاپن برای کنترل صدور تکنولوژی پیشرفته به ایران به بحث پرداختند، مصوبات اجلاس ادینبورگ حائز اهمیت و معناست. به دلیل تفاوت منافع و مواضع اروپا و ژاپن با آمریکا در منطقه خلیج فارس، در اجلاس بن آمریکا موفق نشد سایر شرکت کنندگان را به تحریم صدور تسلیحات و تکنولوژی پیشرفته به ایران

بودجه سال ۷۲ به مجلس ارائه شد

لایحه بودجه سال ۷۲ روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه توسط رفسنجانی به مجلس ارائه شد. رقم بودجه سال ۷۲ نسبت به سال گذشته ۱۰۰ درصد افزایش یافته است که ناشی از تک نرخی شدن ارز و حذف بودجه ارزی است. بگفته رونقی رئیس سازمان برنامه و بودجه میزان بودجه ۲۴ هزار میلیارد ریال است که ۹۵۴۰ میلیارد ریال یعنی ۳۹ درصد آن اختصاص به بودجه عمرانی و بقیه مربوط به بودجه جاری است. رفسنجانی هنگام ارائه بودجه به مجلس اعلام کرد که در بودجه سال ۷۲ کسری بودجه نخواهیم داشت و در طی ۲۵ سال، اولین بار است که بودجه با کسری مواجه نیست. حذف بودجه ارزی و محاسبه تمام بودجه بر مبنای ریال نشان

رفع فاجعه، اما چگونه؟

در نخستین ساعات روز چهارشنبه ۱۸ آذر ماه، نیروهای نظامی آمریکا وارد سومالی شدند تا بکته جرج بوش دست به "کاری خدایی" برند. قرار است ارتش آمریکا که در جنگ خلیج فارس ماجراجویی صدام حسین را بهانه قرار داد تابعان ناچی قربانی تجاوز مسلح فارس را بجوانگه خود بدل سازد، در سومالی نیز وجود مابذای مسلح کوه تکر فاجعه آفرین را بهانه کند تا در نقشیک نیروی امدادگر شاخ آفریقار ازیرنگین خود بگیرد. طبق معمول شورای امنیت، نیروهای نظامی آمریکایی، فرانسوی، ایتالیایی و بلژیکی و واحدهایی از چند کشور دیگر باید در سومالی دستجات مسلح را از قارت محموله های کمک غذایی به کر سنگان باز دارند و راه را برای ارسال محموله های بستر هموار کنند. بیشترین سهم در این نیروی نظامی متعلق به امریکاست که به ۲۸ هزار نفر نظامی خود دستور اعزام به سومالی را صادر کرده و هم اکنون بخشی از آنها در حال انجام عملیات نظامی موسوم به "احیای امید" هستند. جرج بوش که در این تصمیم از حمایت کلیتون بر خور دار است، دلیل خود برای این تصمیم را اینگونه بیان داشته است: "تنها ایالات متحده دارای آنچنان برد جهانی است که بتواند چنین نیروی مسلح بزرگی را در چنین مکان دور دستی بکار گیرد." وزیر دفاع او نیز گفته است: "تصمیم به مداخله در سومالی بدین خاطر گرفته شده که واشنگتن سومالی را "کاری شدنی" تلقی میکند ولی دخالت در بوسنی را امری غیرممکن میدانند. عقل سلیم و عواطف انسانی حکم میکند تا از قطعنامه ۷۹۴ شورای امنیت برای پایان دادن به "بفاد تراژدی انسانی" در سومالی، کشوری که در آن چند دسته و قبیله مسلح بجان هم افتاده اند و صدها هزار انسان را به مصیبت تکانه دهنده دچار کرده اند، حمایت بعمل آید. حتی ضروری است پرسیده بود که چرا این اندازه، هم دیر و هم ناگهانی این تصمیم اتخاذ شد. اما کاملاً جای پرسش دارد که چرا باید آمریکا محرک این تصمیم باشد و نقش اصلی را در اجرای آن برعهده گیرد. تنها با توضیح انگیزه های آمریکا از مبادرت به این اقدام است که میتوان این پرسش ها را پاسخ گفت. در بین طراحان سیاست های آمریکا، فکر غالب و مسلط آنست که پس از حذف شوروی، جهان سرمایه داری و کل جهان باید همچنان رهبری آمریکا را بپذیرد. آنها میخواهند از هر طریق ممکن خلا پدید آمده از حذف بر قدرت رقیب را در همه جای جهان پر کنند. برای گرداندگان کاخ سفید، بخشی از راه حل بحران اقتصادی آمریکا در حفظ بازارهای سلاح است. در جهانی که به نیروی نظامی نیاز چندانی نداشته باشد، انحصارات سازنده تسلیحات از رونق می افتند و این برای آمریکا جز تشدید بحران چیز دیگری نیست. تحرک نظامی آمریکا از الزامات در حرکت نگاه داشتن چرخهای صنایع نظامی است. از سوی دیگر، شاخ آفریقار برای واشنگتن اهمیت سوق الجیشی فراوان دارد. هیچیک از کشورهای واقع در این بخش از جهان، از ثبات چندانی برخوردار نیستند. آمریکا در حضور نظامی در ادامه در صفحه ۲

ریزش دیوار ه متر و در تهران
چندین کشته بر جای نهاد

هیچ ارگان و سازمانی به خاطر این واقعه مورد پیگیری و بازخواست قرار نگرفته است. بر اثر ریزش ناگهانی دیواره ایستگاه مرکزی مترو در ابتدای خیابان خمینی، گروهی از شهروندان تهرانی کشته و مجروح شدند. این حادثه در شروب ۱۴ آذرماه روی داد. به نوشته روزنامه های تهران دیواره مترو در ساعت ۲۰:۰۰ دقیقه عصر با صدای مهیبی فرو

یادداشت

دو پادشاه در اقلیمی نگنجد!

بالاخره روند "کشمکش و دفع" که در تاروپود جمهوری اسلامی سرشته شده است، به نوبت جرم قدرت امتداد یافت. این بار "رهبر" و "رئیس جمهور" این دو یار دیرین که عهد اخوت بسته بودند تا میراث گرانبار اجمینی را چون مردمک چشمان خود از گزند ددان روزگار حفظ کنند، در مقابل هم صف آرایی کرده اند و در معانی سنگین و سرنوشت ساز درگیر شده اند. آندو بعد از مرگ حمینی در ائتلافی تنگاتنگ در مقابل جناح تندرو ایستادند و آنها را از قدرت بیابین کشیدند. آندو دیروز سخت جوای همدیگر را داشتند و مرتباً نان بهم قرض میدادند ولی امروز زیر پای یکدیگر را خالی میکنند.

در اواخر حیات حمینی گردانندگان اصلی حکومت پست نخست وزیری را حذف کردند تا رئیس جمهوری مقتدر بر سر کار آید و با سپردن سکان دولت بدست او، "جمهوری اسلامی" را از طرق شدن نجات بخشند. فرد "رهبر" با وجود تکلیف "مرجعیت" از "رئیس" آموز نامعین بود. رفسنجانی یار دیرین خود را که نه بجهت مراتب فنجی در مقام بالایی قرار داشت و نه بلاخاف سیاسی از آنخان اتوریته برخوردار بود، کاندیدای رهبری کرد و تأییدیه مجلس محرکان را گرفت. چنین فردی بیشتر جنبه نمادین داشت تا ولی فقیه قدرتمند نظام. در حقیقت نه "رهبر" بل این "رئیس جمهور" بود که فرد مقتدر نظام بحساب میاید و سبمای جمهوری اسلامی را ترسیم مینمود.

اعتبار و اتوریته رفسنجانی در جریان حنک خلیج فارس در بین محافل وابسته به حکومت و در سطح جهانی بالا رفت و سیاست ها و اقدامات او مورد توجه شدید قرب قرار گرفت. در این سالها خامنه ای بیش از اینکه سیاستمدار گذار باشد، به مدافع سیاستهای رفسنجانی تبدیل شده بود. ابتکار عمل در دست رفسنجانی قرار داشت و خامنه ای با بددندان سیاستهای او بود و با موضع انفعالی میگرفت.

اما صحنه سیاسی بعد از انتخابات مجلس شورای شورشی مردم در سد شمیر بزرگ و ناکامیهای دولت رفسنجانی در عرضه اقتصادی، بتدریج دگرگون شد. با حذف جناح تندرو در انتخابات مجلس نه رفسنجانی بلکه رسالتی ها نیرومندتر شدند و برای تثبیت موقعیت خود به پیش تاختند. تشریون نتایج اجتماعی و فرهنگی سیاستهای رفسنجانی را دستاویز قرار دادند. به خامنه ای فشار آوردند تا با آنها همزیان و همزای شده و برای نجات "اسلام" و "انقلاب" وارد میدان شود. خامنه ای به فشار تشریون تن داد و با حربه نهی از منکر به جنگ منکرین شتافت و بسیجی ها را بعنوان وسیله اجرای آن بد صحنه آورد. با حرکت خامنه ای، شکاف در بالا شکل گرفت و بدجراتی تا پایین امتداد یافت. مجلس شورا که در این دوره با شعار حمایت از دولت تشکیل شده بود، دچار گسختگی شد و اکثریت نمایندگان مجلس در مقابل رفسنجانی قرار گرفتند بنوشته برخی روز نامه ها تعداد

رفع فاجعه، اما چگونه؟

ادامه از صفحه ۱

این منطقه و تدارک برای اقدامات نظامی آتی، خود را ذینفع می داند. موقعیت ژئوپولیتیک سومالی، کشوری که به اقیانوس هند راه دارد و از دروازه های ورود به شمال آفریقا است، برای امریکاروشن است. تردیدی نیست که محرک اصلی امریکادر لشکرکشی به سومالی، اساساً همین هاست. حضور امریکادر هیات فرشته نجات در سومالی تحطی زده و جنگزده بجهت وجه قادر نیست بصیرت سیاسی کسانی که چشم دیدن همق و کینه بدیده های سیاسی و منافع پشت پرده نیروهای بازیگر حوادث را دارند، گور کند.

میسر بود که در سومالی، نیروی اقدام سازمان ملل متحد از خود کشورهای آفریقایی باشد و مخارج این اقدام را کشورهای ثروتمندی تقبل میکردند که حداقل بخشی از ثروت آنها از مرفعات ملتجای گرسنه بدست آمده است. ممکن بود که نیروی عمل از جهان سوم تامین شود و هزینه را سازمان ملل بین کشورهای دارا سرشکن کند. یا حداقل این بود که امریکانیرویی اصلی و عمده حضور کتونی نباشد.

در جهان پر آشوبی ما، هنوز هم برای تبلور تصمیم مشترک ملتها، امکانی جز سازمان ملل متصور نیست. اما متأسفانه مشکل اینجاست که نفوذ قدرتهای غربی و قیل از همه امریکادر سازمان ملل موانع بزرگی خرابیای نقش مستتر آن ایجاد کرده است. بشریت خواهان آنست که فاجعه سومالی و سومالی ها به سرعت چاره شود، اما نه بگونه ای که جهان زیر سیطره نیرویی قرار گیرد که صلاحیت ایجاد جهانی امن برای همه ملتهارا ندارد.

خریدهای تسلیحاتی رژیم...

ادامه از صفحه ۱

اداره. در بیانیه اجلاس سران جامعه اروپا گفته میشود جمهوری اسلامی حق دارد بمنظور دفاع از خود به سلاح مجهز شود. اما این خریدهای تسلیحاتی نباید ثبات و امنیت منطقه را تهدید کند. این بیانیه از جمهوری اسلامی می خواهد که نسبت به مذاکرات صلح خاورمیانه موضع سازنده ای در پیش بگیرد.

در اجلاس ادینبورگ نسبت به سیاست تسلیحاتی جمهوری اسلامی و تبدیل ایران به یک زرادخانه اظهار نگرانی شد. اما در کنار آن، ذکری از مجموعه روندهایی که اوضاع این منطقه حساس را بحرانی کرده و سیل ارسال و فروش سلاح را در کشورهای منطقه جاری کرده است، ذکری بمان نیامد. در این اجلاس از سفارشهای ۴۵۰ میلیارد دلاری اسلحه که از سوی کشورهای منطقه به مراکز اسلحه سازی قرب داده شده و همین اسلحه خود به انبار شدن اسلحه در منطقه منجر شده و میشود، هیچ صحبتی نشده است. مصوبات اجلاس سران کشورهای عضو جامعه اروپا بطور کلی نشانگر اقبال فشار جامعه اقتصادی اروپا بر رژیم جمهوری اسلامی و تشدید مواضع این جامعه در قبال ایران آماج سبک و روش اروپایی آن است. مصوبات

پاسخ دادستان کل آلمان فدرال به نامه شورای مرکزی سازمان

محاکمه تروریست ها هلنی خواهد بود

دادستان کل فدرال در دیوان عالی فدرال آلمان در پاسخ به نامه شورای مرکزی سازمان تروریست ها هلنی در برلین، اعلام کرد که دادگاه محاکمه تروریست ها هلنی برگزار خواهد شد. در این نامه گفته شده است که امکان طرح همه مدارک برای اثبات جرم وجود دارد. این، فرصت مناسبی است تا همه تشکلهای و شخصیت های اپوزیسیون برای اثبات نقش جمهوری اسلامی در سازماندهی قتل های متعدد علیه مخالفان خود

دادستان کل فدرال

در دیوان عالی فدرال

کارلسروهه، ۸ دسامبر ۱۹۹۲

به: فداثیان خلق ایران (اکثریت)

در باره: تحقیقات علیه یوسف امین و سایرین به اتهام قتل عمد و غیره

پاسخ به نامه ۲۱ نوامبر ۱۹۹۲ شما

خانها و آقایان محترم،

در مورد موضوع مطروحه در نامه شما ما بخواهیم به اطلاع شما برسانم که محاکمه مجرمین که تا بحال شناسائی نشده اند، طبق مقررات قوانین کیفری آلمان، هلنی برگزار خواهد گردید. در چنین محاکمه ای همه مدارک لازم برای اثبات جرم و روشن کردن زمینه های آن مطرح خواهد شد. با درودهای صمیمانه از طرف یوست

دستگیری یک عامل دیگر جنایت برلین

دستگیر شدند، ۱۵ هزار دلار وجه نقد یافت شد.

پلیس و دادستانی آلمان پس از واقعه برلین، کار پیگرد و کشف شبکه های تروریستی را پی گیرانه و با دقت دنبال کرده است. تاکنون روال این بوده است که ارگان های مزبور، نتیجه تحقیقات و بررسی ها را برای تصمیم گیری در مورد نحوه انعکاس آن برای دوائر سیاسی تصمیم گیرنده ارسال دارند. اما بر اساس سیاق گذشته دولت آلمان و شواهد تاکنونی، بیم جدی وجود دارد که ملاحظاتی اقتصادی و سیاسی مانع از اعلام نتیجه تحقیقات شود و این اطلاعات بیشتر در زد و بند های سیاسی و اقتصادی پشت پرده مورد استفاده قرار گیرد.

بر همین مبنا و برای گوشزد کردن همین ملاحظاتی اقتصادی بود که در مصاحبه ای که چند روز بعد از ترور برلین با سفیر جمهوری اسلامی در مورد همین واقعه صورت گرفت، وی و تیحانه حجم ۷ میلیارد مبادلات اقتصادی آلمان و ایران را تذکر داد.

دادستانی آلمان فدرال اعلام داشت که در ادامه پیگرد عاملان ترور برلین، یک تن دیگر، به اتهام همکاری با عاملین جنایت مزبور دستگیر شد. قریب سه ماه پیش، چند فرد مسلح در یک اقدام جنایتکارانه تروریستی، رهبر حزب دمکرات کردستان ایران و سه تن از یاران او را در رستورانی در برلین آماج تیرهای خود قرار دادند. در اطلاعیه دادستانی آلمان فرد اخیراً دستگیر شده مصطافه الف و ۲۶ ساله معرفی شده است.

تاکنون جمع کثیری از مرتبطین با شبکه تروریستی جمهوری اسلامی در آلمان فدرال و ترور برلین دستگیر شده اند. اکنون دیگر از نظر مقامات مسئول در آلمان نیز کاملاً محرز شده است که سازمانگر ترور مزبور رژیم جمهوری اسلامی بوده است. در بین دستگیر شدگان، علاوه بر عوامل ایرانی رژیم، چندین تبعه کشور لبنان که برخی از آنها اجیر شده بوده اند نیز وجود دارد. همراه هر یک از دو تروریستی که در مراحل اولیه

ریزش دیواره مترو در تهران...

ادامه از صفحه ۱

این بوده است. بدنبال این حادثه مدیر عامل متروی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه ای وقوع حادثه را ناشی از بارندگیهای اخیر و نشت آب تونل در ضلع جنوب غربی میدان خمینی ذکر کرد. اما مدیر عامل سازمان آتش نشانی تهران این حادثه را ناشی از بی توجهی و سهل انگاری مجریان پروژه مترو دانست. وی گفت: زرویی خاک محل مطالعه ای صورت گرفته است. تعداد شمع هایی که زده شده، کم بوده و از مقاومت کافی برخوردار نبوده اند. مصالح بکار رفته به مقدار کافی نبوده، بتن اجرا شده کیفیت خوبی نداشته و نحوه بتن ریزی نیز غیر استاندارد بوده است. وی افزود یکی از لوله های آب سازمان آب در گالری شمالی ایستگاه مترو نشت داشته و قرار بوده است سازمان آب آنجا را حفاری کند و جلو نشت آب را بگیرد که این کار صورت نگرفت. پس از این حادثه که انعکاس

است که شایعات در مورد کناره گیری رفسنجانی بالاگرفت و مسئله هدم کاندیداتوری او در دوره آتی انتخابات ریاست جمهوری که چند ماهی پیش نمانده است، مطرح گردید. خامنه ای و یاران او می گویند که رفسنجانی را بسوی سیاستهای خود جلب کنند و تکنوکراتها را وادار سازند که همانین اجرای دستورات آنها باشند. برای تشریون مطلوب آنست که رفسنجانی تمکین کرده و سیاستهای آنها را اجرا کند، تاکناره گیری و یا کنار گذاشتن رفسنجانی منتفی شود و تلاطمی را در کشور بوجود نیآورد. آنها فاقد چهره ای هستند که بتوانند در چنین جایگاهی قرار گیرند و این کشتی توفان زده را از فریق شدن نجات بخشد. بجمین خاطر خامنه ای و یاران او خواهند کوشید که رفسنجانی را وادار به تمکین سازند. اما هنوز معلوم نیست که رفسنجانی چه خواهد کرد. آیا او تن به تمکین میدهد تا شاید فرصت دیگر بیابد یا اینکه کنار میکشد تا بعنوان مصلح قربانی شده قلمداد گردد.

نامه های پیرامون

مسئولیت دولت آلمان در ترور برلین

برخوردهای شدت سلوال برانگیز، اعتراض شده است. در این نامه آمده است: "دولت شما با اتخاذ سیاست یک بام و دوهوا، محافظه کارانه و مماشات آمیز، خود راه را به روی مزدوران و فرستادگان درنده و جلاذ خوی رژیم حاکم بر ایران گشوده است." این نامه، در پایان از دولت آلمان خواسته است اعلام دارد که در مورد وظایف خود نسبت به حمایت و حفظ پاسداری از حقوق پناهندگانی که در آلمان پناه گرفته اند، چه اقداماتی بعمل آورده است.

از سوی "جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی" در راستای اعتراض اپوزیسیون ایرانی به واقعه ترور برلین نامه ای سرگشاده خطاب به وزیر خارجه و وزیر کشور آلمان فرستاده شده است که در آن مسئولیت مقامات این کشور در وقوع این جنایت در خاک آلمان خاطر نشان گردیده است. در این نامه، تعریف و تمجید چندی پیش وزیر خارجه آلمان از وزیر خارجه جمهوری اسلامی و نیز برخورد صراحتاً آلمان با او در ملاقات چهارساعته بین آنها، مورد یادآوری قرار گرفته و به این نوع

اعلامیه مشترک بمناسبت روز جهانی حقوق بشر

بمناسبت ده دسامبر، روز جهانی حقوق بشر اعلامیه مشترکی از سوی ارگانهای خارج از کشور پنج تشکل سیاسی اپوزیسیون انتشار یافته و در آن بر افشای هر چه بیشتر رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی تاکید شده است. متن کامل این اعلامیه چنین است:

ده دسامبر، روز جهانی حقوق بشر، روزیکه افکار عمومی جهانیان بر امر دفاع از حقوق بشر متمرکز است، افشای جنایات رژیمهای سرکوبگر و نقض حقوق بشر در این ویان کشور میتواند بطور موثرتری حمایت بشریت مترقی و احزاب و سازمانهای آزادیخواه کشورهای جهان و مجامع بین المللی را علیه اختناق، سرکوب و نقض حقوق بشر جلب نماید.

رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی، که تاریخچه ننگین حیاتش در سطح بین المللی شناخته شده است، بار دیگر با تازه ترین فجایعش: ترور ناجوانمردانه رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در شهر برلین (آلمان)، تاکید بر واجب بودن قتل سلمان رشدی و افزایش بهای سر وی بمبلغ دو میلیون و پانصد هزار دلار - که با همت و

تمسخر جهانیان روبرو شد - و... تاکید مجدد بر استمرار سیاستهای ترور و اختناق در سراسر عالم نمود.

گروههای افراطی و راسیستی در اکثر کشورهای اروپایی جود خارجی را بوجود آورده و مهاجرین و پناهندگان سیاسی باین کشورها را تحت فشارهای گوناگون روانی و جسمی قرار میدهند.

افشای جنایات مستمر رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران و همچنین پشتیبانی و تقویت احزاب ضد تاشیستی و آزادیخواه و جلب انکار عمومی آزادیخواهان جهان علیه گروههای فاشیستی - راسیستی در این کشورها از جمله وظایف حزب دمکرات کردستان ایران - کمیته خارج فدایی ایران - کمیته سازمان فدائیان خلق ایران - سازمان فدائیان خلق ایران - آلمان

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) گروه کار خارج از کشور

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) کمیته خارج

۱۰ دسامبر ۱۹۹۲

تهدید جدید وزارت اطلاعات

ادامه از صفحه ۱

شعبه یورو ماه گذشته یعنی دو هفته پیش از ترور دکتر شرفکندی رهبر حزب دموکرات کردستان و سه یار همراه او در برلین توسط آدمکشان جمهوری اسلامی، مخالفان جمهوری اسلامی را به سرکوب و نابودی تهدید کرده بود، در سخنان اخیر خود نیز علیه همه مخالفان و منتقدان رژیم شمشیر کشیده است.

تهدیدهای او متوجه هر فکر و هر فردی است که در چارچوب معیارهای این وزارتخانه و

گردانندگان رژیم حاکم نمی گنجد، سخنان وزیر اطلاعات بویژه این نکته را مدلل میدارد که جمهوری اسلامی تصمیم گرفته است تا مبارزه علیه مخالفان فکری و فرهنگی خود تحت عنوان مبارزه با تهاجم فرهنگی را به امنیت بدهد و با مخالفان خود، برخورد امنیتی بکند. و معنی برخورد امنیتی در رژیم جمهوری اسلامی آشکارتر از آنست که احتیاج به توضیح داشته باشد.

بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان را هرچه باشکوهرتر برگزار کنیم!

جشن سالگرد با شرکت هنرمندان:

عارف و شامشور پور

خواننده مشهور ایران خواننده یاران و پیروز بهار

زمان: شنبه ۶ مارس ۱۹۹۳ ساعت ۶ بعد از ظهر

محل: آلمان - بن

BRÜCKENKOPF-FORUM BONN-BEUEL
Zentrum Kennedybrücke
Friedrich-Breuer-Straße 17
5300 Bonn 3 - Tel. 02 28/46 03 79

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آشوبهای خونین ناشی از تخریب مسجد بابر

پس از سالها اختلاف و کشمکش میان هندوها و مسلمانان بر سر محل بنای مسجد بابر در ایالت اوتار پرادش هند، روز یکشنبه ۱۵ آذرماه بنای این مسجد تاریخی مورد هجوم چندین هزار هندوی افراطی قرار گرفت و با خاک یکسان شد. با تخریب این مسجد، موجی از آشوب و درگیریهای خونین میان هندوها و مسلمانان سراسر هند را فراگرفت که طی دو هفته گذشته بیش از ۷۰۰ نفر کشته و هزاران مجروح بجای گذاشت. این ناآرامیها به کشورهای مجاور از جمله پاکستان و بنگلادش نیز کشیده شد.

دولت هند در دهها شهر مقررات منع عبور و مرور وضع کرد و با انحلال گروههای افراطی هندو و بازداشت تعدادی از سران آنها، پس از دو هفته تلاش توانست تاحدی آشوب را مهار نماید.

برقم اختلاف سالیان

اتهامات علیه نشریه گردون رشد

روز سه شنبه ۱۷ آذرماه، دادگاه مطبوعاتی به منظور بررسی پرونده اتهامی عباس معروفی، مدیر مسئول نشریه گردون تشکیل شد. این دادگاه با حضور اعضای هیئت منصفه مطبوعات (محقق دادما، صدر ثقفی، مهتاله مجاقرانی، افتخار جهرمی، فاضل میبدی، پورنجاتی و جلال رفیع) تشکیل گردید.

کیفرخواست صادره دادسرای عمومی تهران موارد اتهام عباس معروفی را چنین برشمرد: ۱- ارائه طریق و رهنمود جهت ضییت یا نظام جمهوری اسلامی ۲- شایعه پراکنی علیه نظام جمهوری اسلامی ۳- توهین و اهانت به مسئولین ۴- توهین به مقام شامخ روحانیت ۵- توهین به فریضه دفاع مقدس و حزب الله ۶- ترویج افکار نظام شاهنشاهی

رئیس دادگاه در ادامه کیفرخواست گفت: "مسئولین این نشریه از اولین طلایه داران تهاجم فرهنگی می باشند." وی انتقاد این نشریه از صدا و سیما، جمهوری اسلامی را از مصادیق این تهاجم فرهنگی نامید و به عنوان نمونه جرم، به جملات زیر در این نشریه استناد نمود: "با رادیو قهر کرده ام، چون مسئولان آن را به دست نااهلان قوم سپرده اند" و "برنامه سراب کاملا یک طرفه است و فقط ایرانی هایی را نشان می دهد که

در منحلای تباهی قرب گرفتار شده اند ولی اگر این درست باشد مسئول اصلی چه کسی است؟" "عباس معروفی "اتهامات" وارده را رد کرد و آثار ساخته و پرداخته چند روزنامه کثیرالانتشار دانست. حمیدصدق وکیل مدافع وی نیز طی سخنانی گفت: بندهای ۱ تا ۴ اتهامات صرفا در صلاحیت رسیدگی توسط دادگاه انقلاب اسلامی است و جابجایی به آن اتهامات ضرورتی ندارد. لازم به ذکر است که دادگاه انقلاب اسلامی تبلیغات کرده بود که رسیدگی به این پرونده در حیطه صلاحیت آن نیست و باید در دادگاه کیفری مورد بررسی قرار گیرد.

پس از ارائه دفاعیات و شور فیر هلنی، اعلام شد که موارد اتهامی مدیر مسئول نشریه گردون از نظر اعضای هیئت منصفه جرم تشخیص داده نشد. با این حال دادگاه مذکور، صدور رای نهایی را به فرصتی ۵۰ روزه موکول کرد.

بدین ترتیب در حالیکه هیئت منصفه دادگاه مطبوعاتی در جنجالی که حزب الله پیرامون نشریه گردون به راه انداخت، عباس معروفی را بیگناه اعلام کرده، دادگاه با خودداری از صدور رای نهایی، ظاهرا منتظر واکنشهای حزب الله باقی مانده است.

تفال شب یلدا

من و انکار شراب؟ این چه حکایت باشد!
فالبابین قدرم عقل و کفایت باشد!
زاهدان راه به رندی نبرد معذور است:
عشق، کاری ست که موقوف هدایت باشد -
من که شب هاره تقوا زده ام بادف و چنگ
این زمان سر به ره آرام؟ - چه حکایت باشد؟
بنده پیرمغانم که ز جلم بر ماند
- پیر ما هر چه کند همین ولایت باشد! -
ز آمد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز،
تا خدرا ز میان با که نهایت باشد!
تابه غایت ره میخانه نمی دانستم؛
ورنه، مستوری مستان به چه غایت باشد؟
دوش از این فیه نغفتم که رفیق می گفت:
"حافظار باده خور دجای شکایت باشد!"

انتشار متن گزارش گالیندوپل در نشریه کار

متن آخرین گزارش رینالدو گالیندوپل در شماره آتی نشریه کار درج خواهد شد. این گزارش در کمیسیون حقوق بشر به تصویب رسیده و در اختیار مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفته است. این گزارش وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی را در طی یکسال اخیر مفصلا توضیح داده است

در حاشیه رویدادها

کابوس ماهواره

پخش تصاویر تلویزیونی از طریق ماهواره بر فراز آسیا از مدتها پیش آغاز شده است. در کشور ما نیز دریافت این تصاویر امکانپذیر گشته و گویا ناآنتنهای شباقی که تهیه آن علیرغم محدودیتها همانند تهیه ویدئو و نوارهای ویدئویی خارجی متیاشوار نخواهد بود، استفاده از برنامه های ماهواره در دسترس همگان قرار خواهد گرفت. تاکنون استفاده از تصاویر تلویزیونی کشورهای مجاور در شمال و جنوب و غرب برای ساکنان این مناطق در کشورمان امکانپذیر بود اما این بهیچ رویی با امکاناتی که ماهواره برای دریافت برنامه های تلویزیونی خارجی بوجود آورده قابل متایسه نیست.

روشن است که دریافت آسان تصاویر ماهواره ای در کشوری که مردم و جوانانش فاقد امکانات اولیه برای تفریحات سالم و پر کردن اوقات فراغت خود هستند، چه جایی برای خود باز خواهد بود.

مسئله بسیار مهمی

که تاکنون نگفته ام...

بدنبال شکست تیم ملی فوتبال ایران در هیرووشیا، دکتر فقوری فرد رئیس سازمان تربیت بدنی قول داد با تشکیل کمیته ای ملل این شکست را بررسی کند. آن قول مطابق معمول فراموش شد و فقوری فرد در مصاحبه های متعدد کوشید با انداختن مسئولیت شکست به گردن مربیان، دامن خود را بری نگاه دارد. وی از جمله در مصاحبه های با نشریه جوانان عنوان کرد که به مربیان گفته بوده که برای نتیجه مساوی به میدان نروند، اما آنها به حرف وی گوش نکرده اند و تیم در نیمه دوم می بایست بر تعویض دست میزده

و داستان بابک خرم دین

تقویت است. سلطنت طلبان افراطی با سازمان دادن این گروه و دست زدن به برخی عملیات که چندان هم حساب شده نیست، در صدد جلب توجه طیف سلطنت طلبان و مهار گسترش نفوذ گرایشهای معتدل که خود را "مشروطه خواه" می نامند، برآمده اند.

صرفنظر از اینکه چنین ارزیابی تاجه حد درست و یا اساسا نادرست باشد توفیری در این نادر که وضع جامعه ایران در اثر کارکرد ۱۴ ساله رژیم آنباشته از تضادها و ناهنجاریهاست و این وضع بستر مناسبی برای نطفه بستن و رشد و نمو گرایشهایی است که راهی جز توسل به قهر و سلاح برای خود باقی نمی بینند. این گرایشها اگر گسترش یابند با مجموعه شرایط داخلی و خارجی که کشور ما دارد میتواند به نجایعی منجر شود که طبیعتا مسئول آن و تنها مسئول آن رژیم جمهوری اسلامی است.

ابراز نگرانی...

ادامه از صفحه ۱

سوم سازمان ملل اعلام کرده است که محاکمات و صدور احکام در جمهوری اسلامی "بر اساس موازین شرعی و استانداردهای بین المللی صورت می گیرد" اما -

توضیح نداده است محاکمات سریع و پنهانی و بدون حضور وکیل مدافع، ترور دهها شخصیت مخالف رژیم، منع فعالیت قانونی احزاب سیاسی، آزار و اذیت مردم زیر عنوان نهی از منکر و سرکوب اقلیت های ملی و مذهبی بر اساس کدام "موازین شرعی و استانداردهای بین المللی صورت می گیرد؟"

علی امینی در گذشت

علی امینی سیاستمدار مشهور حکومت پهلوی و نخست وزیر پیشین ایران روز شنبه ۲۱ آذرماه در پاریس بر اثر سکته قلبی درگذشت. وی به مقام مرگ ۸۷ ساله بود. علی امینی مقامهای متعددی در حکومت پهلوی بر عهده گرفت. وی در زمان شروع اصلاحات ارضی به نخست وزیری منصوب گردید و اصلاحات ارضی در زمان دولت او آغاز شد. اما امینی بزودی از سوی شاه مقضوب واقع شد و کنار رفت و فعالیت سیاسی مهم دیگری از سوی او صورت نگرفت. در ماجرای انقلاب علی امینی بار دیگر به صحنه آمد و کوشید واسطه ای بین رژیم شاه و مردم شود، اما به نتیجه ای نرسید. با سقوط حکومت پهلوی، علی امینی از کشور خارج شد و به پاریس رفت و در آنجا "جبهه نجات ایران" را تاسیس کرد. هدف این جبهه اعاده سلطنت در ایران بود. علی امینی در سالهای آخر به علت کمولت سن فعالیت سیاسی چشمگیری نداشت.

علی امینی روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه در گورستان "مون سار تاس" پاریس به خاک سپرده شد.

معاون سیاسی وزیر خارجه ژاپن در تهران

کونیمیکو ساتیو معاون وزیر امور خارجه ژاپن در چارچوب یک دیدار مشورتی با مقامات جمهوری اسلامی روز ۴ ژانویه در تهران شد. معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در امور آسیا و اقیانوسیه هدف از اجلاس مشورتی مزبور را بررسی ابعاد روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با ژاپن و راه های برطرف کردن موانع آن ذکر کرد و حجم سالانه مبادلات بازرگانی دو کشور را ۱۵ میلیارد دلار اعلام داشت.

بنگام ورود معاون وزیر امور خارجه ژاپن، از وی در مورد امکان پیوستن ژاپن به جمع کشورهای غربی که در اجلاس این خواهان تحریم صدور کالاهای تسلیحاتی و صنعتی به ایران بودند، سؤال شد. وی با این بیان که، "ژاپن اساسا سلاح و لوازم نظامی صادر نمیکند"، از پاسخ به سؤال مزبور طفره رفت.

حجم بخش دولتی دو برابر شده است

تعداد کارکنان ارگانهای دولتی و وابسته به دولت که در سال ۵۸ یک میلیون و یکصد هزار نفر بود در سال ۶۶ به دو میلیون و یکصد هزار تن رسید. روزنامه رسالت که این خبر را منتشر کرده خاطر نشان ساخته است در این آمار، رقم نفقات نیروهای مسلح و انتظامی منظور نگردیده است. از آنجا که طی این مدت بر شمار نفقات ارتش افزوده گردیده و نیز صد ها هزار تن در ارگانهای تازه تاسیس سپاه پاسداران و کمیته به خدمت گرفته شدند، افزایش عده مزدبگیران دولت و تورم حجم دستگاه دولتی طی ۸ سال پیش از دو برابر گردید.

دو برابر گردید. لازم به ذکر است که در سال ۵۸ معادل ۴۸/۷ درصد از اعتبارات دستگاههای دولتی مختص هزینه های جاری بود، حال آنکه در سال ۶۶ این نسبت تا ۷۴/۷ درصد افزایش یافت.

محسن رضایی: باید همیشه دست به ماشه سلاح حرکت کنیم

محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم روز دانشجو در دانشکده حقوق و علوم سیاسی اظهار داشت اگر ما میخواهیم یک ملت بزرگ بانی بمانیم باید همیشه دست به ماشه سلاح حرکت کنیم و در هر زمان با همان سلاحی به میدان برویم که کاربرد زمان خود را دارد. وی در این سخنرانی از انقلاب صنعتی به عنوان یک انقلاب منسوخ شده در عصر حاضر یاد کرد و افزود: امروز دنیا تشنه انقلاب فرهنگی است و یقینا مبارزه مادر این جهت خواهد بود. فرمانده کل سپاه اعلام کرد بسیج دانشجویی باید برای یک مبارزه بزرگ فرهنگی و اقتصادی آماده شود. در همین مراسم پایگاه بسیج این دانشکده افتتاح شد.

محسن رضایی در اجرای سیاست خامنه ای در صد گسترش نیروی بسیج در دانشگاهها بر آمده است و در روز ۱۶ آذر که سمبل جنبش دانشجویی ایران است، پایگاه جدیدی را افتتاح کرده است.

مجلس بطور مشروط و موافق است

اظهارات ضد و نقیض مقامات حکومتی در مورد سیاست ارزی دولت هم چنان ادامه دارد. در چالیکه طی هفته های اخیر دولت رفسنجانی بطور مکرر تاکید کرده بود که سیاست تک نرخی کردن ارز از سال آینده به اجرا گذارده خواهد شد، ناطق نوری رئیس مجلس فاش کرد که ۱۴۰ تن از نمایندگان مجلس با طرح ۲۵ سوال، خواستار توضیح دولت در این زمینه شده اند. هر چند گفته می شود که بدنبال توضیحات دولت رفسنجانی، مجلس قانع شده و با این سیاست موافقت کرده است، اما محمد رضا باهنر عضو هیئت رئیسه مجلس در سفری به کرمان اعلام کرد (۱۵ آذر) این موافقت مشروط است و دولت باید ۵ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی، دارو و بخش دفاعی سوئیس پرداخت کند. همزمان با این سخنان عبدالحسین وهابی وزیر بازرگانی اعلام کرد که نرخ ارز از سال ۱۳۷۲ به صورت شناور در خواهد آمد و با حذف بودجه ارزی دستگاههای دولتی، بودجه ریالی برای این دستگاهها در نظر گرفته خواهد شد. وهابی افزود: نرخ رسمی ارز فقط برای تامین کالاهای اساسی و دارو یاتی خواهد ماند.

علیرغم آنکه هنوز بطور قطعی سیاست ارزی دولت در سال آتی روشن نشده است، سخنان مسئولین رژیم در مورد تک نرخی شدن ارز، به صورت عامل تازه افزایش قیمتها عمل کرده است.

از میان رویدادها

تنوع در صد دانشجویان عضو انجمن های اسلامی هستند

به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو و به دعوت انجمن اسلامی دانشکده کشاورزی کرج میز گردی با شرکت گروهی از مقامات رژیم برگزار شد. احمد شیبانی و مرتضی نبوی نمایندگان مجلس، بهزاد نبوی وزیر پیشین صنایع سنگین، عباس عیدی سردبیر سلام و باقری، نماینده دفتر تحکیم وحدت در این جلسه شرکت کردند. در این میز گرد سخنرانان به شکست تلاشهای رژیم در جهت جلب دانشجویان اعتراف کردند. بهزاد نبوی در این زمینه گفت: "انجمن اسلامی ۵ درصد کل دانشجویان را جذب کرده جامعه اسلامی یک درصد جذب کرده پس مجموعه می شود ۶ درصد. این خطر بزرگ چیست که توفیقی در جذب ۹۴ درصد بقیه نداشته اند؟" مهندس مرتضی نبوی سردبیر روزنامه رسالت و نماینده مجلس نیز این واقعیت را مورد تایید قرار داد و گفت: "یک واقعیت تلخ وجود دارد و آن اینکه اکثر دانشجویان فعال در مسایل سیاسی نیستند. نه انجمن اسلامی

خامنه ای از رویدادهای دانشگاهها نگران است

خامنه ای در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بمناسبت هشتمین سالگرد تاسیس آن، بار دیگر "تجاجم فرهنگی" را اعلام کرد و گفت دشمن به شکل منظم و سازمان یافته ای تجاجم فرهنگی خود را علیه جمهوری اسلامی به انجام میرساند و اگر پاسخ متقابل ما منظم و سازمان یافته نباشد، خطر تجاجم دشمن بیشتر خواهد بود. او اضافه کرد که نوعی از تعارض با تفکر سیاسی اسلام و عقاید بنیایی اسلام در کتابهای مختلف، مقالات، ترجمه ها، تاریخ نویسی، جزوات درسی و مطبوعات گوناگون وجود دارد.

او که از رویدادهای دانشگاهها نگران است می گوید درس هایی با زیر بنایی قریبی، کنار زدن اساتید علوم انسانی با مبنای اسلامی در برخی دانشگاهها و تلاش برای حذف واحدهای درسی مرتبط با علوم انسانی گسترش یافته است. خامنه ای هر دیدار را بهانه قرار میدهد و مسئله تجاجم فرهنگی را پیش می کشد. شورای عالی انقلاب فرهنگی که ظاهرا سیاست گزار مسائل فرهنگی است، مورد توجه شدید خامنه ای قرار دارد. در این سخنرانی او بر نقش مهم این شورا تاکید کرد. و بدنبال آن سید احمد خمینی را به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب کرد.

میانجیگری میان ایران و مصر

در پی بالاگرفتن تنش در روابط جمهوری اسلامی و مصر و حملات تبلیغاتی گسترده تهران و قاهره علیه یکدیگر در هفته های اخیر، دولت سوریه تصمیم به میانجیگری میان دو دولت گرفته است. به همین منظور هفته گذشته فاروق الشرع وزیر خارجه سوریه راهی قاهره شد و پس از ملاقات با مقامات مصری اعلام کرد که تهران و قاهره پذیرفته اند برای حل و فصل اختلافات فیما بین راه مذاکره و گفتگو را در پیش گیرند.

مناسبات تهران و قاهره پس از سالها سردی و قطع رابطه، سال گذشته با گشایش دفاتر حفظ منافع در پایتختهای دو کشور اندکی بهبود یافت. اما در ماههای اخیر این روابط مجددا رو به تیره گی گذاشت. این تیره گی، ریشه در رقابت حاد دو کشور در منطقه خلیج فارس حول ترتیبات امنیتی منطقه دارد در همین حال روابط رژیم جمهوری اسلامی با رژیم بنیادگرای سودان و تحركات بنیادگرا در الجزایر و مصر و موضع حمایت آمیز تهران نسبت به این تحركات، رقابت بنحان دو کشور را به سطح کشمکش های آشکار سیاسی - تبلیغاتی گشاند. هفته گذشته پس از سفر فاروق الشرع به قاهره اندکی حملات تبلیغاتی روزنامه های تهران علیه مصر کاهش یافت.

بمناسبت سالگرد تولد حیدر عمو اوغلی مبارز خستگی ناپذیر راه آزادی و عدالت



همین راه و در جنگهای پسیخان به شهادت رسید.

حیدر همواوغلی یکی از بزرگترین و در همین حال موفق ترین رهبران جنبش چپ در ایران است. او در شکل دادن به این جنبش و کوشش برای اتحاد آزادیخواهان ایران، سهم بزرگی در میان رهبران سیاسی دوران خود ایفا کرد. همواوغلی تحلی استواری، استقامت و ایستادگی در راه آرمانهای انسانی بود و میراث او برای جنبش چپ در ایران طی ۸۰ سال گذشته، همواره ارزش ویژه داشته و دارد.

ایران رکورد دار فرار مغزها ... ادامه از صفحه ۱

فرهنگی و ارزش خالی است و از میانی علمی و کارشناسی لازم برخوردار نیست. دکتر معین در

اخراج دو پناهنده ایرانی از کانادا و سوئد

کارولین تقی زاده، یکی از پناهجویان ایرانی که بیش از دو سال در انتظار رای دادگاه بود، بالاخره در اواسط ماه نوامبر به اداره مهاجرت و پناهندگی کانادا (در ونکوور) فراخوانده شد و طی نامه ای رسمی به او ابلاغ شد که دادگاه به تقاضای پناهندگی ایشان رای منفی داده و او باید روز هفتم دسامبر کانادا را ترک کند. بلیط انتقال کارولین از طریق آلمان، تهران توسط اداره مهاجرت رزرو شده است.

متعاقب اعلام این خبر و در پاسخ به تقاضای کارولین برای کمک، محافل مترقی و دمکراتیک ونکوور و جمعیت های ایرانی طی نشست هایی به بحث پیرامون این مسئله و معضل "دیپورت" که بتازگی حدت بیشتری یافته، پرداختند. در آخرین گردهمایی قرار شد روز سوم دسامبر تظاهراتی در مقابل اداره مهاجرت و پناهندگی برگزار شود.

یکماه پیش نیز، یک پناهنده ایرانی به سوئد علیرغم داشتن مدارک برای اثبات اینکه در صورت برگشت به ایران با خطر مواجه خواهد بود، از سوی دولت سوئد جهت برگشت به ایران از این کشور اخراج شد.

انتخاب ریاست جمهوری در خردادماه

ناطق نوری، وزیر کشور رژیم اعلام داشت که انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۱ خردادماه انجام خواهد شد. وی قطعی شدن تاریخ انتخابات مزبور را منوط به پذیرش شورای نگهبان کرد. قبل از این، با توجه به اختلافات و جناح بندی های درون حکومت، شایعه انجام زودتر از موعد انتخابات ریاست جمهوری طرح شده بود. نوری همچنین ابراز داشت که در همین تاریخ برگزاری انتخابات میان دوره ای مجلس نیز پیش بینی شده است.

محاکمه یک بازرگان سوئسی در تهران

دادسرای نظامی تهران محاکمه هانس بوهرل بازرگان سوئسی را مورد تاکید قرار داد. یک مقام مسئول در دادسرای نظامی تهران ضمن اعلام این خبر افزود که نتیجه محاکمه بوهرل پس از پایان کار دادگاه به اطلاع عموم خواهد رسید. هانس بوهرل که یک بازرگان ۵۱ ساله سوئسی است، در اسفند ماه سال گذشته به اتهام فساد و تماس های غیر قانونی با اتباع ایرانی دستگیر شد. مقامات امنیتی تاکنون توضیحی در مورد سرنوشت این "اتباع ایرانی" نداده اند.

اعلام خبر محاکمه بازرگان سوئسی را - ۹ ماه پس از دستگیری - باید واکنشی نسبت به دستگیری مأموران جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی به جرم شرکت در ترور مخالفان دانست.

ملاها در یک تلاش تروریستی در راه جنگ گام بر میدارند

ایران بار دیگر بنیادگرائی اسلامی را به خاورمیانه صادر می کند، به همسایگانش، به ویژه رقیب قدیمی اش مصر دیوید هرست انفجار نبرد ایدئولوژیک میان مدرنیست ها و مسلمانان افراطی را مورد بررسی قرار می دهد.

برخی مطبوعات اروپایی و آمریکایی مدعی اند سیاست خارجی ایران دوباره به روزهایی بازگشته است که صدور مسلحانه انقلاب اسلامی در سرلوحه کارها بود. تصویری که از سیاست خارجی ایران ارائه میشود، تصویر کشوری است که در راه جنگ با همسایگان هربش گام بر میدارد. اما ساخت بتوان با این تصویر سازی ها موافق بود، نه به این جهت که امثال خامنه ای ها و جنتی ها برای کشیده شدن به دام رودرروئی خصمانه با همسایگان استعداد ندارند، بلکه بیشتر از این جهت که بسیار بعید است آنها خود را ساکنر سوق دادن منطقه بسوی جنگ را ابتکار کرده باشند. خطر اینجاست که آتای خامنه ای گرچه می گوید آمریکا مصر را به موضع گیری خصمانه علیه ایران کشیده است، اما هم در عمل و هم در کلام برای تفرق کردن کشور در همان گرداب و مقابله به مثل از خود امدادگی بسیاری نشان می دهد.

حتی اگر حرف آتای خامنه ای در دست باشد که آمریکا آتشبار مصر که است، بنابه تجربه باید گفت خطر کاملا جدی است: بخش عمده ای از رهبران جمهوری اسلامی، به شمول رهبر اصلی آن با گام هایی که حتی شاید وجدان هم بر آنها مشعر نیست قابلیت بسیار دارند بسوی یک ماجراجویی تازه کشیده شوند.

یک نمونه از آنچه در غرب در باره سیاست خارجی ایران، تازه! انتشار می یابد جهت آشنایی خوانندگان در این شماره به چاپ می رسد. این مقاله، نوشته دیوید هرست است و در روزنامه گاردین ۲۸ نوامبر انتشار یافته است. این نوشته که واکنش مقامات رسمی در ایران را هم برانگیخت، صریح ترین نگاه را بازتاب می دهد.

ایران بار دیگر بنیادگرایی اسلامی را به خاورمیانه صادر می کند، به همسایگانش، بویژه به رقیب قدیمی اش مصر.

دیوید هرست انفجار ایدئولوژیک میان مدرنیست ها و مسلمانان افراطی را مورد بررسی قرار میدهد.

حدود دو هفته قبل، یک روز صبح چهار مرد نقاب دار با سلاح های خودکار به روی سه مینی بوس در میدان اصلی شهر قاهره در ۲۵۰ مایلی جنوب قاهره آتش کشیدند. شش توریست آلمانی در راه بازگشت از کشت و گذار در دره شگفت انگیز نیل زخمی شدند. از اول اکتبر ارسال این ششمین بار بود که واقعه ای از این دست توسط تروریست های اسلامی روی می داد. طی این مدت ۲۵ توریست خارجی زخمی و یک زن انگلیسی کشته شده است.

مقامات مصری تاکنون کوشیده اند که اهمیت این حملات را ناچیز جلوه دهند. وزیر جهانگردی، این واقعه اخیر را "حادثه ای نادر در کشوری که نمونه ثبات و امنیت است" تلقی کرده است.

بهرحال آنچه که بتدریج در خاورمیانه به صورت یک پیکار بزرگ نوین، یا پیکاری قدیمی در قالبی نوین پدیدار می شود، تعارض ایدئولوژیک سیستم های اساسا مدرنیست سکولار یا حکومت یا جنبش های بنیادگرا است.

در حادثه ترین حالت نبرد بسوی تضاد قدرتمندترین دولت های منطقه، لیبی، ایران و مصر پیش می رود. دو روز بعد از آخرین حادثه در دره نیل پرزیدنت حسنی مبارک در یک نطق مهم، خطاب به پارلمان مصر گفت: "ایران باید بطور کامل از ادعای رهبری اسلامی، از مداخله در امور داخلی ملت های عرب و یا مسلمانان دست بردارد و به کوشش هایش برای تحمیل رژیم خود در خلیج (فارس) خاتمه دهد."

سردبیر روزنامه الاهرام، ابراهیم تانی که نوشته هایش معمولاً تفسیر مواضع رسمی مصر تلقی می شود، میگوید نطق رئیس جمهور حائز سه نکته اساسی است: نخست: این توطئه حقیرانه کلیت تجربه دموکراتیک مصر را هدف گرفته، بنابراین بر همه

اف. ای. اس به مبارزه زیرزمینی و خشونت بار خود علیه رژیم نظامی ادامه می دهد. (در ژانویه گذشته این جبهه در انتخابات پیروز گردید اما جلوی به قدرت رسیدن آن با اعمال زور گرفته شد.)

ایران که سمپاتی خود به جبهه نجات اسلامی را پنهان نمی کند، آشکارا از قتل پرزیدنت محمد بوضیاف ابراز خشونتی کرده است. دولت الجزایر در مقابله با این واکنش ایران، سفارتخانه خود در تهران را فقط بصورت سمبلیک باز نگاه داشته است.

اما بزرگترین تحفه برای یک جنبش ایدئولوژیک اسلامی کشور مصر است. اگر این بر جمعیت ترین و قدرتمندترین کشور منطقه، کشوری که در چهارراه آسیا-آفریقا قرار دارد، بدست بنیادگرایان بیافتد، پیامد های آن گسترده و غیر قابل محاسبه خواهد بود.

این بدان معنا نیست که ایران فرصت جا را در مناطق آشناتر چون فلسطین و لبنان به فراموشی سپرده است. در مورد فلسطین، ایران نه تنها به خرابکاری در مذاکرات صلح بسنده نمی کند، بلکه مشغول خالی کردن زیربای یاسر عرفات رهبر ساف است. بنابه گزارشات، ایران به سازمان حماس وعده ۳۰ میلیون دلار کمک داده تا آن را جهت تشدید حملات مسلحانه خود در داخل خاک اسرائیل و یا مناطق اشغالی به مصرف برساند.

ساف اخیرا گزارشی را به مصر تسلیم کرده است که نشان می دهد ۸۵۰ نفر تروریستی که در اردوگاهی نزدیک مشهد آموزش می بینند، اکثرشان مصری هستند.

مانظور که یک روزنامه سعودی نقل می کند، بنظر می رسد ایران بطور سیستماتیک خود را بصورت حامی همه گروه های افراطی مخالف در منطقه در آورده است. گروه هایی که به "اهرم های ممنوعه" برای اعمال فشار متوسل می شوند.

شکل دوم، که کاملا هم عمومی است هرصه تجدید نظر شده اکتویسم ایرانی در خلیج (فارس) است. در این مورد مصریان و دیگران مدعی اند که ملایان از شقاق میان اعراب و از عدم تعادل استراتژیکی ناشی از نابودی ماشین جنگی عراق بهره می گیرند و می کوشند بصورت یک "ابر قدرت منطقه ای" در آیند. آنها به آنچه که از شاه باقی مانده به نحو موثری جنگ می اندازند. در پی "طوفان صحرا" آنها بگونه ای موفقیت آمیز "بیابانه دمشق" را زخنی کردند. طبق این بیانیه ترار بود دو کشور عرب مصر و سوریه نیز در توافقات مربوط به حفظ امنیت خلیج (فارس) شرکت داشته باشند.

(فارس) شاه بازور به ادعای دیرینه ایرانیان پیرامون جزایر مورد مشاجره ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک جامه حمل پوشانید. او تنب بزرگ و تنب کوچک را اشغال کرد و با امارات متحده مشترکا کنترل جزیره ابوموسی را در دست گرفت. تابستان گذشته ملایان عملا تمام جزیره را به خود ملحق کردند. تعجب آور نخواهد بود هرگاه تجاوز صدام حسین به کویت - گرچه از نظر مقیاس غیر قابل مقایسه است - به آذهان خطوط کشد.

طبق نوشته الاحرام تهران در صدد است ابوموسی را تبدیل به دژی کند که با موشک های متعدد دریایی و هوایی تکمیل می شود. مصریان چنین می پندارند که ملایان دارند به روزهای داغ انقلاب خمینی باز می گردند.

با ظهور ماشینی رنسنجانی به مثابه مرد تیرومند، با توجه به نقش مساعدی که در جنگ خلیج (فارس) در رابطه با اتحاد ضد صدامی ایفا کرد و با توجه به انتخابات مجلس در ماه مه گذشته که رنسنجانی آن را به سود خط "پراگماتیست" خود و به زیان "مخالفتان رادیکال" تمام کرد - به نظر می رسد او بالاخره دستش برای پرداختن به مرم ترین وظایف باز شده باشد: بازسازی اقتصاد از هم گسیخته و ترمیم مناسبات با جهان خارج و در نهایت با شیطان بزرگ خمینی، ایالات متحده آمریکا.

این ها کارهایی است که او مشخصا می خواست انجام دهد. ولی او در این راه با مانع دیگری مواجه شده است. با مانع نبرد مجدد قدرت بین دسته جات مختلف روحانیون.

آیت الله علی خامنه ای که بیشتر یک صاحب نظر سنت گرای اسلامی است تا یک آیت الله رادیکال، تحت عنوان "رهبر" جانشین خمینی است. او که در انتخابات از رنسنجانی و خط پراگماتیک وی حمایت کرد، اکنون در راس ائتلاف تازه نیروهایی که بخشی از آنها رادیکال و بخشی محافظه کار ولی عمدتا اپورتونیست هستند، به مثابه رقیب اصلی رنسنجانی برآید کرده است. منافع مشترک مولفین در دامن زدن به موج تازه ای از افراطی گری نهفته است. مجلس طرح های پرزیدنت رنسنجانی برای قرضه خارجی - که سخت مورد نیاز است - را کاملا برهم زده است. "توده های خشمگین" بار دیگر به خیابان ها آورده شده اند تا علیه "فرهنگ و رفتار فاسد غربی" هیاهو کنند. آنها برای استغفای وزیر "ارشاد" که متهم به نرمش در مقابل این فرهنگ بود، اعمال فشار کردند.

جایزه برای اهدام سلمان رشدی افزایش یافته است و میلیون مایر آخرین آمریکایی که در ایران از دوران شاه باقی مانده و به امور تجاری مشغول بود، بالاخره بهای مقاومتش را پرداخت و به اتهام "تماس با آژانس های اطلاعاتی" دستگیر شد.

دوباره اوج می گیرد. خامنه ای در سرزنش تلویحی رنسنجانی می گوید "هیچکس هیچگاه نباید باور کند که آمریکا از خصومت خود با اسلام دست برداشته است... همه فرماندهان، افسران، مدیران و وزرای ما باید حزب الهی واقعی باشند. چونکه دشمن اصلی ما همچنان استکبار جهانی سرکردگی آمریکاست." پرزیدنت رنسنجانی قبل از اینکه حمله سختش را آغاز کند، کمر خم کرده است. حتی نزدیکترین هوادارانش از جمله نشریه انگلیسی زبان تهران تایمز نیز به لفاظی ضد مصری پیوسته اند.

شک نباید داشت که تصویر سازی مصر از ایران به میزان متناهی بر پایه کربیه سازی خودفرزانه مبتنی است. معاون نخست وزیر مصر یوسف والی تا آجا پیش رفته است که ایران را متهم می کند که قصد دارد سد آسوان را منجر کند. عصیت در این میان کاملا محسوس است.

مصر برای اثبات پشتیبانی ایران از "توریست" - تروریسم " هنوز باید دلایل متقاعد کننده ای فراهم آورد. مردان مسلحی که دستگیر شده اند ادعای مصر را تکذیب می کنند. در بین منتقدان داخلی رژیم مصر چیزی بیش از شک در این مورد وجود دارد که دولت به یک لولوی خارجی نیاز دارد که طقیانجامی که ریشه در شرایط اجتماعی - اقتصادی و خیم شونده مصر دارند را به حساب آن لولو بگذارد و بر ناتوانی خود در رفع مشکلات سرپوشد.

روابط اطلاعاتی نزدیک بین مصر و الجزیره برقراری می شود و هیچ ضرورتی برای پیوند دادن امنیت مصر با دولت های غرب خلیج (فارس) ترنظر نمی شود.

آقای مبارک می گوید: "مصر قصد ندارد برای هیچ دولت غربی دیگری چتر حفاظ باشد. ولی زمان آن رسیده است که اعراب مباحثات پیرامون امنیت پان عربی را از سر بگیرند."

دولت های عرب حاشیه خلیج (فارس) مورد حمایت دولت های نیرومند عرب چون مصر و سوریه و برخی کشورهای شمالی آفریقا که مظالمی در خلیج (فارس) ندارند - قرار گیرند.

در نظر مفسران مصری رفتار ایران به رفتار عراق قبل از سقوط آن شباهت دارد. الاحرام می نویسد قریب ها به اندازه خود اهراب دارند. هشیار می شوند. هرچه ایران بیشتر خود را مسلح کند و هرچه قدر خطری که او متوجه منطقه می کند بیشتر شود، خطر مداخله خارجی افزایش خواهد یافت. ایران باید بداند روزگاری که بتوان دیگران را در برابر عمل انجام شده قرار داد، سر آمده است، جهان یک بار در کام جنگ خلیج "فارس" سوخته است و واین دیگر بار تکرار نخواهد شد.

چیزی که این برخورد سنگین میان "دو قدرت بزرگ" در خاورمیانه را جدی تر می سازد آنست که در ماوراء خصومت میان این دو یک ضرورت فونکسیونل نهفته است. اگر مصر به دشمن خارجی نیاز دارد، ملایان به این دشمن بیشتر نیاز دارند. ایران با چنان مشکلات اجتماعی - اقتصادی (نه چندان شبیه مصر) دست به گریبان است که می تواند پیامد های سیاسی جدی تری داشته باشند.

هر دو طرف دسته بندی ها در ایران به وضوح احساس می کنند که اساس بقای جمهوری اسلامی آنان در معرض خطر قرار گرفته است. ولی هر طرف راههای متفاوتی برای نجات پیشنهاد می کند. پرزیدنت رنسنجانی خصومتی کمتر - بسیار کمتر - نسبت به دنیای خارج از خود نشان می دهد. او تنها به دلایل تاکتیکی، تنها به خاطر تأمین بقای خود در داخل سیستم، و اکنون رضای شده است - حتی ظاهر اجم که شده - از استراتژی خمینی که استقبال از رودررویی بخاطر رودررویی است، موأخواهی کند.

افول قدرت رئیس جمهور

ادامه از صفحه ۴

خواهد شد همچون بسیاری دیگر زیر سایه رهبر و فاقد قدرت و امکانات کافی برای پیشبرد سیاستهای خود. اما اگر نخواهد چنین کند به اتکاء کدام نیرو و کدام حمایت به مقابله با جناح رهبر بر خواهد خاست؟ این فکر که حکومت جانشینی برای رنسنجانی ندارد نمی تواند موقعیت قابل اتکایی برای او فراهم کند. امکانی چون آیت الله منتظری نیز هست اما در شرایط کنونی و حتی آینده نه چندان نزدیک هم استفاده از آن برای رنسنجانی تقریبا غیر ممکن است. خارج از پایگاه اجتماعی حکومت هم هلیرقم تلاش سه ساله رئیس جمهور نتوانست به موقعیت قابل اعتنایی دست یابد. یک راه دیگر هم این است که رنسنجانی خود را کنار کشد و در دور آتی انتخابات ریاست جمهوری کاندید نشود و اجازه

شمار "مرگ بر آمریکا"

دموکراسی و عدالتخواهی مشخصه اصلی جنبش روشنفکری کشور

بهزاد کریمی

با آنکه کشور در قرق شسته و شیخ است، اما اندیشه‌ها سخت در جوشش اند و مدام در راستای رشد می‌شکند. تلاش نگر سترگی در کشور جریان دارد که از بسیاری جهات، متمایز از همه دوره‌های پیشین و ممتاز نسبت به همه آنهاست. جامعه تشنه دگرگونی، جامعه‌ای که تقدیر خود را در پیوند با راهیابی و کاوش برای فردا به همراه دارد، در مسیر رنسانس فکری بزرگی گام بر میدارد و این رنسانس بیش از همه در آئینه کنکاش روشنفکران بازتاب می‌یابد. چه باید کرد؟ چه راهی باید رفت، محفله دینی هزاران اندیشمند و انبوهی از اندیشه‌ورزان می‌جنگان است. پرسش اینست که سمت اصلی این تحول فکری کدامست و مشخصه‌های عمده آن چیست. اگر ملاک ما حاصل کار مجموعه روشنفکران کشور قرار گیرد که در تالیفات و ترجمه‌ها، در نشریات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی غیر حکومتی و حتی در مواردی حکومتی، در فیلمنامه‌ها، اشعار، و دیگر اشکال هنری منعکس است، آنگاه میتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که:

۱- در این مجموعه، روح

آزادخواهی و آرزوی دموکراسی موج می‌زند. هر منفذی در جبهه اختناق کنونی، باریکه راهی است که از میان آن، آزادی تدمیکشود و فریاد آزادی اوج می‌گیرد. اگر اسیر شکل بروز این خواست عمومی نشویم و بپذیریم که اشکال لاجرم رنگ و بوی اوضاع عمومی را بخود می‌گیرند تا بتوانند طرف مناسب و ممکن برای مطروف در آیند، آنگاه در می‌یابیم که در جوهر محتوی، این بروزات چه اندازه آزادی را فریاد می‌زنند و چه اندازه هم آزادخواهان هستند. نکته مهم اینست که بحث حول ضرورت آزادی و مخالفت با استبداد و جلودها و مظاهر گوناگون آن، ابدا در این خلاصه نمیشود که آزادی در برابر استبداد، دموکراسی در برابر خلافت و سلطنت و حاکمیت فردی یا انحصاری گروهی، برعکس، اینک: آزادی یعنی چه؟ چگونه بدست می‌آید؟ به چه نحو حفظ میشود و چه سان نهادی می‌گردد؟ و امکانات و شرایط مؤلفه‌های بحث داغ آزادی در جامعه ایران و بویژه جامعه اندیشه‌ورزان ایرانی است که حتی به درون محافل حکومتی هم تقب زده است. حکومتی که،

رسالت آن در حفظ استبداد، و دوام آن مشروط به بقای استبداد است!

۲- اما روشنفکران در کشور، فقط آزادی و دموکراسی نمی‌خواهند. آنها همزمان و در پیوند با آزادی، خواهان عدالتند. آنان، معترض علیه ستم‌های اجتماعی و اقتصادی هستند. معترضی پرخاشگر و رادیکال. و گاه تا آنجا که حتی ترجیح می‌دهند با صانگونه الگوها و منتهای ناکام دیروزی به اعتراض علیه این ستمها برخیزند تا اینکه سکوت و مماشات در برابر مظالم را گردن دهند! آنان در برابر یکه‌تازی قدرت‌های جهانی و قدری جهانداران موضع استواری دارند تا بدانجا که حتی گاه در بندهای سستیز گور و خودقرضی حکام جمهوری اسلامی با قریب نیز گرفتار می‌آیند! مقاومت فکری در برابر زور و تحمیل، آئین مشترک آنهاست. آنان، هر الگوی رشد اقتصادی را قبول ندارند. برعکس، آن نوع از رشد را طابند که تامین عدالت و رفاه همگانی جزو اهداف پایهای آن باشد. آنان در جبهه زحمت و کار و توده‌های مردم در جبهه مقابل فارت‌گران - قرار دارند. آنها اندیشه آرمانی را رجا

نکرده‌اند و نمی‌خواهند اصلت گزینی را ممکن‌ها بکنند. اما آنان، در این جهت می‌دهند که آرمناها بر زمین واقعیت‌ها امکان تحقق پذیرد. واقعیتی برای هدفمندی، بستر حرکت عمومی آنهاست.

قصداً نیست که در سنجش حد پیشرفت جنبش روشنفکری کشور مبالغه شود. این جنبش، راه درازی در پیش گرفته و راه درازی در پیش دارد. حتی باید گفت که اندیشه‌های ماند و کزاندیشی‌ها در آن کم نیست و بویژه از بیماری کم‌اهمیتی به آنچه در گستره روشنفکری خارج از کشور می‌گذرد و گاه تحقیر آن نیز رنج می‌برد. سخن این است که سستگیری در راستای هم آزادی و هم دموکراسی، و هم رشد و عدالتخواهی مشخصه اصلی جنبش فکری جاری در میهنان است. جنبشی امیدبرانگیز.

هرگاه نیک بینگریم و گسترده‌تر بیندیشیم در می‌یابیم که برآستی ما بسیاریم و لو نه در یک رنگ واحد، نه در جامعه واحد و نه در ستر واحد.

کیهان لندن، مشوق زور و ضرب در حل مسئله ملی!

ف. تابان

تاکنون در مورد رابطه مابین حقوق ملی و دموکراسی بسیار گفته شده است. این سخن درستی است که چگونگی نگرش نیروهای سیاسی نسبت به مسئله ملی و حقوق ملیت‌ها یک معیار عمده برای محک زدن چگونگی نگرش این نیروها نسبت به دموکراسی است و در این میدان است که بسیاری از ادعاها محک می‌خورد و تقابلاً بر داشته می‌شود. یکی از مصادیق بارز درستی این سخن، تناقض‌ناگزیری است که نشریه کیهان چاپ لندن به آن دچار شده است. این نشریه علیرغم تمام نیازی که به یک چهره آرای دموکراتیک حس میکند و علیرغم تمام تلاش‌هایی که در جهت این چهره آرای به کار می‌بندد، باز آنجا که پای مسئله ملی و حقوق ملیت‌ها به میان می‌آید، نمی‌تواند تمایل سرکوبگرانه خود را پنهان سازد. این تمایل حتی اگر به یک روزنامه محدود می‌شد، باز جای تامل بسیار داشت. اما چنین نیست و همه میدانند که کیهان لندن زبان تقریباً مشترک گروه‌های عمده سلطنت طلب ایران است.

کیهان سلطنت طلب طی چند هفته اخیر در دو مورد به توضیح رسمی مواضع خود بیزامون مسئله ملی اقدام کرده است. نخست در پاسخ به مقاله "کیهان لندن، وحدت ملی و تعامیت ارضی" نوشته رفیق ملی اکبر تهری در نشریه کار و دوم در سر مقاله‌ای به بعانه ۲۱ آذر سرکوب حکومت دموکرات آذربایجان.

کیهان سلطنت طلب در هر دو مقاله یاد شده ضرورت استفاده از سلاح و سرکوب برای حفظ تعامیت ارضی را مورد تصریح قرار داده است: "اگر برای نگهداری تعامیت ارضی به کار بردن زور و ضرب ضروری شود، نباید از آن واگمه داشت" و "چشم پوشی از به کار بردن زور در لحظه‌های خطیر تاریخ یک ملت، جز شکست گزائی معنایی ندارد". برای اینکه محل هیچ گونه تردیدی باقی نماند که منظور از زور و ضرب مورد اشاره آقایان نه مقابله مسلحانه با تجاوزات احتمالی خارجی، بلکه سرکوب اقلیت‌های ملی ساکن ایران است، کیهان سلطنت طلب حوادث آذربایجان و کردستان را به عنوان شامدی بر درستی نظریه خود آورده است. تصریحات فوق مفید است، از آن نظر که فراموش نشود، آقایان آنگاه که وسایل زور و ضرب را در اختیار داشتند، از بکار بردن آن هیچ واگمه ای به خود راه ندادند و در آذربایجان و کردستان و هر آنجایی که ندایی برای احقاق حقوق ملی شنیده شد، ارتش را گسیل کردند و با تساو تعامیتی کم نظیر این ناهای حق طلبانه را خاموش کردند. آنچه به این نیز بسنده نگردند، ارتش خود را به کشورهای همسایه روانه ساختند و انقلابیون ظفار را، با بیرحمی تمام کشتار کردند (و شاید این توجیه امروزه که مرزهای جنوبی خود را امن سازند.) امروز سلطنت طلبان همه این قساوت‌ها و تجاوز گریهارا به عنوان دلآوری ارتش و مردم

مورد تایید و تحسین قرار میدهند و انتظار دارند قسم آنان به دموکراسی مورد قبول واقع شود.

کیهان لندن البته تصریح کرده است که برای حفظ تعامیت ارضی تنها بر سرکوب متکی نیست: "تعامیت ارضی را بر خلاف آنچه که ممکن است برخی کسان فکر کنند، فقط با زور نظامی نمی‌توان نگاه داشت" و باید "اجزای گوناگون آن کشور با هم احساس همبستگی ملی کنند." چگونه؟ چگونه میتوان چنین احساس همبستگی ملی را که نه یکی از عوامل، بلکه تنها عامل حفظ یکپارچگی پایدار کشور است، به وجود آورد؟ قبل از هر چیز به این شرط که سیاست زور و ضرب در مناسبات میان ملت‌ها کنار گذاشته شود، حقوق ملی ملت‌های ساکن کشور به رسمیت شناخته شود. در همه ملل ساکن یک کشور این احساس به وجود آید که به راستی برابر و دارای حقوق یکسانند و ملتی بر ملت دیگر رجحان داده نمی‌شود. روابط ملت‌های ایران در حکومت شاهنشاهی هرگز چنین نبوده و تبعیض‌های فاحش و تحقیرهای خرد کننده موجب شده که "احساس همبستگی" تنها در زیر سایه سنگین ارتش و ساواک تامین شود. و در آینده؟ آقایان نه تنها حاضر نیستند حقوق ملی خلق‌های ایران را به رسمیت بشناسند، بلکه از اساس هویت ملی آنها را انکار می‌کنند، احزاب سیاسی اشان را تجزیه طلب و انمود می‌کنند و دشمنی میان آنها را دامن می‌زنند و انتظار دارند که باز هم آنها با این احساس همبستگی داشته باشند! روشن است که در ادامه چنین راهی زور و ضرب تنها عامل وحدت ملی باقی می‌ماند.

این سیاست یکی از عوامل واقعی به خطر افکندن یکپارچگی کشور ماست. این را دیگر باید هر انسان بی فرضی دریافته باشد که در جهان کنونی ما نمی‌توان به زور یکپارچگی کشوری را تامین کرد. حوادث متعدد در تانکی که پیش چشم ما در جهان جریان دارد، از سرکوب کرد‌ها توسط دولت ترکیه تا قساوت صرب‌ها در کشتار ملی دیگر یوگسلاوی سابق و بالاخره مناقشات پر شمار در اتحاد شوروی سابق، همه بیانگر آن است که سیاست زور و ضرب در حل مسئله ملی شکست خورده است. اگر دیروز "ارتش‌های دلاور" توانستند ناهای حق طلبانه را سرکوب کنند، امروز شانس چنین موفقیتی تقریباً به صفر رسیده است. تمایلات ناسیونالیستی در هر گوشه‌ای از جهان شعله می‌کشد و قدرت می‌گیرد. سخن بر سر تایید این ناسیونالیسم بیدار شده نیست، بلکه بر سر واقعیت وجودی آن و چگونگی مواجهه با آن است. تمایل به سیاست زور تنها دامن زدن به این ناسیونالیسم و سوق آن به سوی درگیری‌های فاجعه بار داخلی و نابود کردن یکپارچگی کشور است، حتی اگر هواداران چنین سیاستی زوری هزار بار به تعامیت ارضی کشور قسم بخورند، نمی‌توانند این واقعیت را تغییر دهند.

افول قدرت رئیس جمهور

علی اکبر قنبری

مجلس البته، تنجارتان یا نهاد حکومتی نیست اما کدام ارگان یا نهاد ویاورنه دیگری هست که رفسنجانی بتواند به حمایت آن متکی باشد. مجلس، شورای نگهبان، بازار و رسالت‌ها و حوزه (حوزه ای که در حال باز یافتن جایگاه و منزلت خویش در نظام است) پشت سر رهبر است، ارتش و سپاه هم تحت فرمان او و اگر تحت فرمان او هم نبودند می‌جگاه اینطور نبود که ارتش و سپاه در کنش و واکنش جای روز مره سیاسی حضور و نقش کار ساز داشته باشد. اگر امکان قابل اتکایی هم برای رفسنجانی موجود باشد، حضور قدرتمند حزب اله و هسته فعال و سازمانیافته آن بسج که همان آنهم اکنون دست رهبر است، آراختنی می‌کند. آن اندک انتظارات حمایت آمیزی که در میان بخشی از مردم از رفسنجانی وجود داشت در اثر پیامدهای سیاست "تعدیل اقتصادی" بر باد رفت. طرقة اینکه به جرات می‌توان گفت رفسنجانی - حداقل تا اینجا کار شکست خورده است. این شکست هم شامل سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی از بیثابه رئیس دولت میشود و هم شامل نزاع او با رقبای محافظه کارش در درون حاکمیت اسلامی.

دو واقعه تقریباً همزمان در بچار امسال در تضعیف موقعیت رفسنجانی نقش داشتند. یکی انتخابات مجلس و دیگری شورشی اعتراضی مردم در چندین شهر کشور، هر دو مورد انتخابات مجلس هموا اینطور اظهار نظر می‌شود که ترکیب مجلس تازه ترکیب مورد انتظار رفسنجانی از کار در نیامد و رانده شدن "خطا می‌ها" از مجلس نه به سود رفسنجانی که به سود مولفین محافظه کار اتمام شده است. بعبارت دیگر رفسنجانی

آشکارا به رد ارزشهای تحمیلی روحانیت برخاستند. روحانیت حاکم در این اوضاع و انفسای خود بازگشت مجدد حزب الله را که پس از سه سال از او به ابتکار خود و برای دفاع از "نظام" یا بمیدان گذاشته بود، نعمتی بزرگ یافت و خیلی زود راه حراست از حکومت خویش را در حضور مستمر و بلا مانع آن در "صحنه" دید. و همین حضور مجدداً مستمر حزب اله بود که همه کوششهای رفسنجانی را جهت ایجاد فضایی ضرور برای پیشبرد اصلاحات اقتصادی نقش بر آب کرد.

شورشهای بچار کل حکومت را یکبار دیگر در برابر چگونگی اداره کشور و راه حفظ حراست از نظام قرار داد. بر این زمینه بود که اختلافات کهنه از نوزنده شد و اختلافات تازه نیز به آن افزوده گردید. ائتلاف سه ساله رهبر و رئیس جمهور پس از مرگ خینی، شکاف برداشت.

در این کشمکش رقبای رفسنجانی بخشی از مشکلاتی که نظام اسلامی با آن روبرو شده به گردن سیاست‌های "لیبرالی" رفسنجانی انداختند. به این ترتیب بخش بزرگی از کانونهای قدرت پشت سر خا همنای قرار گرفتند و توازن به سرعت به زیان رفسنجانی تغییر کرد.

رفسنجانی برقم افول اقتدار و تضعیف موقعیتش از تب و تاب نیفتاده و در هفته‌های اخیر همچنان خود را فعال و قدرتمند نشان می‌دهد. اما کیست که نداند این فعال بودن نه نشانه موقعیت و وزنه واقعی او در تعادل قوای درون حکومت که همدتا بخاطر هنوز امیدوار نگاه داشتن آنهاست است که پیش از این روی او نقش و موقعیتش حساب می‌کردند.

اما رفسنجانی برای نجات خود از وضعی که گرفتار آن شده چه کار خواهد کرد؟ روشن است اگر جذب جبهه رهبر شود و اینطور که رهبر می‌خواهد تحت اختیار و انقیاد او قرار گیرد، آخوندی ادامه در صحنه

نکته در خور توجه در مصاحبه ناطق نوری با روزنامه کیهان تنها این بود که او به شکاف درون میات حاکمه جمهوری اسلامی و تقسیم حرم قدرت به جناح رهبر و جناح رئیس جمهور اعتراف کرد. این واقعیتی بود روشن و ناطق نوری با اعتراف به آن راز ناگشوده ای را بر ملا نکرده است هر چند اعتراف یک مقام بلند پایه حکومت به وجود این شکاف خود دارای اهمیت است، و محمتر از این اعتراف که در مصاحبه او جلب نظر می‌کرد موقعیت بقدرت تضعیف شده جاشمی رفسنجانی در نزاع داخلی رژیم اسلامی است. آنچه که ناطق نوری از آن بعنوان نیرویی ضعیف و فاقد توان قدرت نمایی در مقابل جناح رهبر یاد کرد، در واقع رفسنجانی و جناح منتسب به او در حاکمیت اسلامی است.

ناطق نوری ضمن پذیرش تقسیم حکومت به دو جبهه اعلام کرد در جبری جناح معتقد به "اصول و ارزشهای انقلاب" و "مقام معظم رهبری است و با تعابیری چون "مشق ما ولایت است، مشروعیت ما و مجلسان به ولایت فقید است" تاکید نمود که در جبهه بندی جدید درون حکومت مجلس پشت سر علی خامنه‌ای است. مجلسی که رئیس جمهور با امید بسیار تدارک دیده بود تا "مجلس مهاجرت با دولت" از کار در آید، اگر به همین گفته ناطق نوری نیز اکتفا نکنیم همان نامه ۱۴۰ نمره نمایندگان مجلس به دولت که ناطق نوری خبر آن را در این مصاحبه اعلام کرد و در آن نمایندگان با طرح ۲۵ سؤال در باره سیاست‌های آتی دولت بویژه تک نرخی کردن ارز توضیح خواسته بودند، نشانه روشن وجود یک گرایش نیرومند در مجلس است که نه مهاجرت با دولت، بلکه بنای چون و چرا با آن را دارد.

جهان در سال ۱۹۹۲

نگاهی گذرا و عمومی

سال ۱۹۹۲ در حالی به پایان می‌رسد که در گوشه و کنار جهان، به جای جنگ سرد، درگیری‌های خونین ملی و قومی و تنش‌هایی انفجاری تصویری بس نگران‌کننده از وضع جهان بدست می‌دهد. جنگ ضد بشری در بالکان، جنگ و گرسنگی در سومالی و در بخش‌های دیگری از افریقا، تشنج در خلیج فارس، خونریزی در قفقاز، بشکه باروت آسیای میانه، هرج و مرج در افغانستان، ادامه وضع بن بست صلح در خاورمیانه، رکود اقتصاد جهانی، ادامه تخریب محیط‌زیست، همه و همه بیانی منفی از سالی که گذشت بدست می‌دهد.

یکسال پیش، در پی فروپاشی اتحاد شوروی، این پرسش اذهان را بخود مشغول می‌داشت که آیا جهانی با دوا بر قدرت، جای خود را به جهان تک ابر قدرتی خواهد داد یا نه؟ رویدادهای یکسال گذشته، تا حد زیادی این پرسش را پاسخ داده است. ابر قدرت امریکا بر سر جای خود باقی است و از هر فرصت استفاده کرده و می‌کند تا نظم مطلوب خود را بر جهان تحمیل کند. اما، رشد و هلندی شدن تضادهای عمیق بین امریکا و دو قطب دیگر جهان سرمایه‌داری پیشرفته یعنی اروپای غربی و ژاپن از یکسو و سربرآوردن قدرت‌های محلی مدعی در مناطقی از جهان از سوی دیگر، تصویری غیر از "جهان تک ابر قدرتی" را ارائه می‌دهد.

اگر استنادها را کنار بگذاریم جهان کنونی تا بلوی بس نامگون از تداخل و تصادم حیطه‌های نفوذ قدرت‌های بزرگ مانند امریکا، اروپا و ژاپن و قدرت‌های منطقه‌ای مانند روسیه، چین و اسلام ستیزه جو است. علاوه بر این قدرت‌ها، بسیاری از نیروهای کوچک محلی که برای به کرسی نشاندن منافع و اراده خود از دو ابزار مهم، یعنی پایگاه مردمی و اسلحه برخوردارند، از صرب‌ها گرفته تا روسای قبایل افغانستان، از این یا آن قوم در قفقاز گرفته تا خمرهای سرخ، هر قدرت کوچک و بزرگ می‌کوشد سهم هر چه بیشتری از دنیایی که تعادل آن با پایان جنگ سرد بهم خورده است، بدست آورد. نتیجه این مسابقه، که در اغلب موارد با بکارگیری همه وسائل و بدون کوچکترین توجه به سرنوشت مردم انجام می‌گیرد، ده‌ها کانون تشنجی است که امروز می‌بینیم و در سال ۱۹۹۲ به بجای جان انسان‌های زیادی تمام شده است.

در آخرین سالهای جنگ سرد، همه از لزوم توجه به "منافع عام بشری" و "مسائل جهانی" سخن می‌گفتند. خوش بینی‌هایی وجود داشت که بر پایه آنها گذار "تمدنانه" از سیاست فرموله شده بر مبنای منافع "طبقه‌ای" به "انساندیشی" رونویسی را آغاز کند که در نهایت، به نوبه حکومت خیر خواه جهانی که هم و هم آن، پایان دادن به گرسنگی و بی‌عدالتی و نقض حقوق بشر و نابودی محیط‌زیست باشد، بیانجامد. اکنون، کمتر از دو سال پس از بیرون راندن صدام حسین از کویت، و تنها یک سال پس از انحلال شوروی، صداهایی که این امیدها را اظهار می‌کردند، تقریباً خاموش شده‌اند. به جای آن خوش بینی، حیرت و بهت از آنچه در همین مدت کوتاه بر جهان "رهایی" یافته از جنگ سرد گذشته، نشسته است. تعادل و آرامش مبتنی بر رقابت تسلیحاتی دوا بر قدرت، محکوم به شکست بود، تردیدی نیست. اما سخن بر سر مضامین و بلائی است که نوع گذار به نظم (یابی نظمی؟) جدید و ماهیت آنچه به جای جنگ سرد آمده است، بر مردم مناطق مختلف جهان نازل می‌کند.

مسلم این است که جهان پرتلاطم کنونی، از توجه مشترک به مسائلی مانند گرسنگی و فاجعه اکولوژیک که برآستی آینده نسل بشر را تهدید می‌کنند، دور است. اگر ابر قدرتهای دوره جنگ سرد به چیزی جز تحکیم و بسط نفوذ جهانی خود نمی‌اندیشیدند، قدرت‌های بزرگ و کوچک کنونی نیز چیزی جز منافع حقیری که گاه از حد تصرف چند وجب خاک سوخته فراتر نمی‌رود، در سر ندارند. تا بحال کمتر نشانه‌ای دیده می‌شود که این منافع، با آنچه "وجدان بیدار بشریت" نامیده می‌شود، انطباق یابد.

هنوز زود است تا بتوان تصویری روشن از میدان نیروها و نقطه تعادل‌ها در جهان بدست داد. نه اینکه، صرفاً جهان کنونی را نمیتوان با الگوهای گذشته توضیح داد بلکه به این دلیل نیز - دلیل اصلی - که خود جهان هنوز چنان وضع بفرنج و ناپایداری دارد که امکان یک جمع بست نسبتاً جامع و مانع را دور از دسترس میسازد. از اینرو آنچه که در زیر می‌آید، صرفاً مرور و نگاهی است بر نقشه جهان و حول مسائل عمده و حاد در یکسال گذشته و بس.

قرب آسیا؛ از بحران‌های حل نشده به تنش‌های تازه

وقتی سخن از اوضاع بین‌المللی به میان می‌آید، طبیعی است که برای مادر و جله اول آنچه پیرامون ایران می‌گذرد اهمیت دارد. واقعیت این است که کشور ما در محاصره چند کانون بحران قرار گرفته است که حکومت فعلی ایران در ایجاد و یا دامن زدن به آنها یا مسئولیت درجه اول را دارد و یا حداقل بی‌تقصیر نیست. در طول سال گذشته بر تعداد این کانون‌های تنش افزوده شد، بدون اینکه بحران‌های کنه حل شوند. بین ایران و عراق که هشت سال جنگ را که پشت سر گذاشته‌اند هنوز صلح پایدار برقرار نشده است. سرنوشت مابقی اسرای جنگی معلوم نیست. اختلافات ارضی به جای خود باقی است. دو طرف به گروهبانی مخالف یکدیگر کمک تسلیحاتی می‌کنند و پایگاه در اختیارشان قرار می‌دهند. بطور خلاصه، هیچ تضمینی وجود ندارد که هیولای جنگ، دوباره از این بنده چرکین سربر نیارود. جمهوری اسلامی به گونه‌ای غیر مسئولانه، سرنوشت صلح را موقوف نگه داشته تا بلکه از عراق پس از صدام حسین امتیازاتی بگیرد. اهداف و مقاصد واقعی امریکا در مورد عراق که تضعیف عراق و سرنگونی صدام بود، به فرجام نرسید. حکومت بغداد از هر فرصتی - مانند قضیه ابوموسی - بهره می‌گیرد تا نقش "پاسدار منافع اعراب" در مقابل "توسعه طلبی تهران" را بازیابد. این همه، کافی است تا جای نگرانی را در مورد صلح میان ایران و عراق باقی بگذارد.

در حالی که اشغال کویت توسط عراق، شرایطی را به وجود آورده بود که امکان بهبود روابط ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را فراهم می‌کرد، ماجراجویی‌های نظامی جمهوری اسلامی و بویژه تبدیل ابوموسی به پایگاه نظامی از یک سو، و تحرکات نیروهایی در جهان عرب با حمایت احتمالی از خارج، از سوی دیگر، در سالی که گذشت بحران جدیدی ایجاد کرد. اختلاف ایران و امارات متحده عربی بر سر نحوه اداره جزیره ابوموسی هنوز حل نشده است و حوادثی مانند خرید زیر دریایی‌های روسی توسط جمهوری اسلامی و ورود زیر دریایی امریکایی به خلیج فارس، زمینه‌های حل آن را ضعیف‌تر می‌کند.

در سال ۱۹۹۲ در کابل حکومتی که برای ایجاد ثبات و آرامش در افغانستان می‌کوشید، بر اثر پافشاری قرب بر سیاست‌های به جا مانده از دوران جنگ سرد، جای خود را به یک هرج و مرج تمام عیار داد. اکنون هر گوشه افغانستان تحت حکمروایی یک قبیل یا حزب است. زود خورده‌های کونونی اگر بیش از جنگ دوازده ساله دولت کابل با گروه‌های مسلح قربانی نگردد، بی شک کم تلفات‌تر هم نیست. انصاف حکم می‌کند که یادآور شویم دولت تهران به سهم خود کوشید از شکل‌گیری شرایط کنونی در کشور همسایه شرقی جلوگیری کند. اما این تلاش ناموفق ماند زیرا انبوه سلاح‌هایی که قرب در اختیار مخالفان حکومت سابق کابل گذاشته بود و توسعه طلبی نظامیان پاکستان اجازه یافتن راه حلی معقول مانند طرح سازمان ملل را نداد. اکنون که هر ایالت و ولایت در افغانستان یک ساز می‌زند، جمهوری اسلامی نیز به فکر بسط نفوذ خود در این کشور است. قدرت‌های خارجی در رابطه با افغانستان به تنها چیزی که نمی‌اندیشند، سرنوشت میلیون‌ها مردم این کشور است که در سیزده سال گذشته روی آرامش به خود ندیده‌اند.

در آسیای میانه و قفقاز، در سال ۱۹۹۲ سال شدت گرفتن رقابت میان قدرت‌های مختلف خارجی، و بویژه ایران و ترکیه بود. ترکیه به نیابت از قرب می‌کوشد جلو گسترش نفوذ بنیادگرایان اسلامی را که نماینده آن، جمهوری اسلامی است، بگیرد. به نظر می‌رسد در آذربایجان، جمهوری اسلامی بازی را باخته است و مردم این جمهوری میان قرآن‌های صادراتی و کالاهای مصرفی صادراتی، مصرف را انتخاب کرده‌اند. اما در آسیای میانه، جمهوری اسلامی کماکان امیدوار است بتواند با معجون‌های ایدئولوژی و مناسبات تجاری، پایگاهی بیابد. طرفداران تهران در تاجیکستان که توانسته بودند در اتحاد با نیروهای دیگر، حکومت نئی اف را که از دوران شوروی به جا مانده بود، به کنار زنند و بدین ترتیب، تاحد زیادی بر قدرت خود بیافزایند، اخیراً مجبور به عقب نشینی‌های جدی شده‌اند. نباید از یاد برد که تاجیکستان تنها جمهوری فارسی زبان آسیای میانه است و در سایر جمهوری‌ها، حکومت ولایت تقیه چنین زمینه مساعدی نمی‌یابد. با این حال، نگاه تهران به شمال، مایه نگرانی جدی قرب است و بدون تردید

کشورهای غربی و ترکیه باز هم اقداماتی در جهت متوقف کردن پیشروی بنیادگرایی و جمهوری اسلامی در آسیای میانه انجام خواهند داد. امکانات اقتصادی ترکیه بویژه اتکالی آن به قرب، و عدم جذابیت الگوی اسلامی برای مردم این منطقه و برعکس جذب حکومت لائیک، ترکیه را در موقعیت برتری نسبت به ایران قرار می‌دهد. در ضمن نباید فراموش کرد که روند جدایی جمهوری‌های آسیای میانه از روسیه و سایر اجزای سابق اتحاد شوروی، کندتر از حدی که یک سال پیش انتظار می‌رفت، پیش‌رفته است. اگر مردم این جمهوری‌ها نیز مانند مردم لیتوانی در یابند که "استقلال"، نه تنها شکم را سیر نمی‌کند، بلکه در شرایط عدم توانایی یا عدم تمایل قرب به کمک موثر اقتصادی، تنها به تلاکت و محرومیت می‌انجامد، روی آوردن مجدد آنها به همسایه شمالی‌شان، دور از انتظار نیست. بویژه از این جهت که اقتصاد ضعیف آسیای میانه با هزاران رشته به روسیه که هر چه باشد، یک کشور صنعتی است، وابسته است.

در سال ۱۹۹۲ باز هم مردم کرد دیدند که امید بستن به قدرت‌های خارجی برای رسیدن به حقوق ملی‌شان، بی‌ثمر است. هر چند در کردستان عراق، یک حکومت خودمختار شکل گرفته است، اما این حکومت آندره به پشت جبهه‌اش در ترکیه وابسته است که ناچار می‌شود در سرکوب حزب کارگران کردستان ترکیه با اتکال همرازی کند. اخیراً دولتهای ترکیه، سوریه و ایران در اجلاس مشترکی به دعوت ترکیه، بار دیگر تاکید کردند که هیچ هلاک‌های به کردستان مستقل یا خودمختار ندارند. این خطر جدی است که با تفسیر حکومت در عراق، یکبار دیگر و اینبار کرد‌های عراق قربانی زدو بند‌های قدرت‌های سیاسی شوند.

مذاکرات صلح خاورمیانه به بن بست رسیده است. به نظر می‌رسد حکومت اسرائیل به این امید بسته است که یک رئیس‌جمهور از حزب دمکرات در امریکا به هلت بیوندهای سنتی این حزب با یهودیان، از میزان فشار بر تل آویو برای امتیاز دادن به اعراب بکاهد. از این رو، در ماجرای اخیر عملیات پیش‌رفتی در مذاکرات حاصل شده است. اسرائیل حاضر به هیچ گونه گفتگو در مورد احتمال عقب نشینی از سرزمین‌های اشغالی نیست و تنها از "خودمختاری" فلسطینی‌ها سخن می‌گوید. وضعیت حاضر هر چه بیشتر به طول انجامد، زمینه گسترش نفوذ بنیادگرایان اسلامی در فلسطین را تقویت می‌کند. در سال گذشته نشانه‌هایی جدی از شکاف در صفوف فلسطینی‌ها دیده شد. سرخوردگی شمار هر چه بیشتری از مردم مناطق اشغالی و آوارگان از راه حل‌های مسالمت آمیز، بر تمایل به "راه حل"‌های انفجاری می‌افزاید، و در شرایطی که بر چمدان اصلی مشی افراطی در مقابله با اسرائیل، بنیادگرایی اسلامی است، این نیرو است که از این وضعیت سود می‌برد. در تهران سخنگویان رژیم می‌کوشند ناموفق ماندن مذاکرات صلح را دلیلی دیگر برای درستی سیاست تحریم هرگونه تلاش صلح‌جویانه جلوه دهند.

"جامعه کشورهای مستقل"

به کجا می‌رود؟

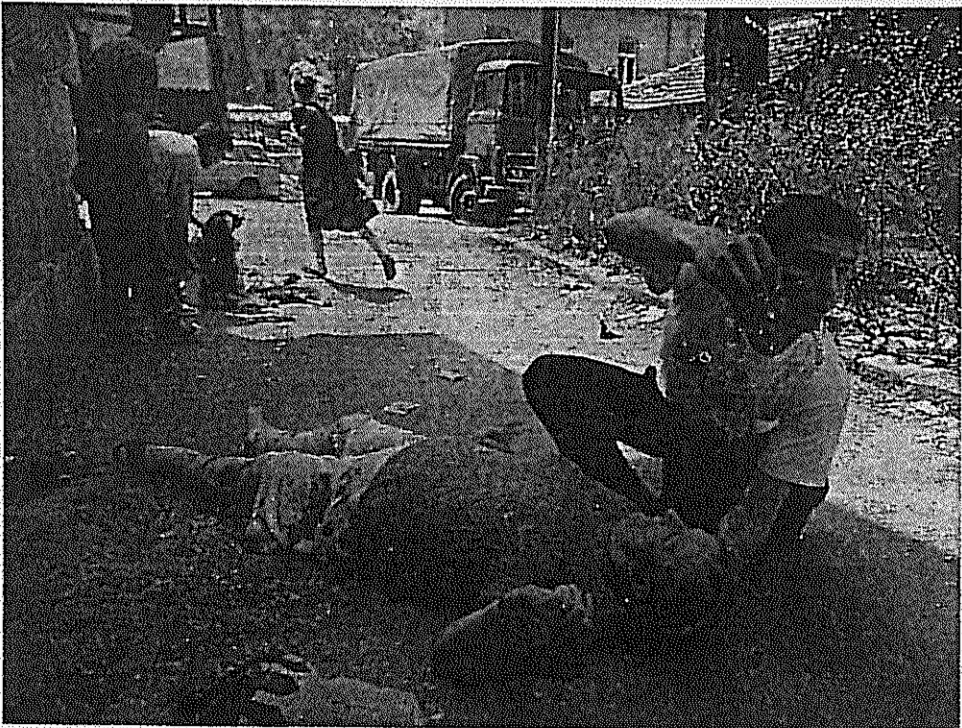
یک سال پیش در حالی که میخائیل گورباچف

سرگرم آخرین تلاش‌های نومیدانه‌اش برای حفظ اتحاد شوروی بود، باریس یلتسین رئیس‌جمهور روسیه با انگیزه‌های نشات گرفته از قدرت طلبی فردی، نقشه‌ای را به اجرا گذاشت که هواتب آن برای صد‌ها میلیون نفر فاجعه آمیز بوده است. یلتسین با دور زدن حکومت مرکز شوروی و طی تماس‌های مستقیم با رهبران جمهوری‌ها، اجلاسی را سرهم بندی کرد که طی آن باستانی بسیار عجیب، انحلال شوروی اعلام و تاسیس "جامعه کشورهای مستقل" تصویب شد. این اقدام، تلاش‌های وحدت طلبانه را از زمینه‌های واقعی محروم و رئیس‌جمهور شوروی را ناگزیر از استعفا کرد. از آن هنگام تاکنون نه تنها وعده یلتسین به مردم روسیه دایر بر بهبود اوضاع تحقق نیافته، بلکه اقتصاد این کشور باز هم بیشتر به پرتگاه ورشکستگی سقوط کرده است. در حالی که همه تجارب جهانی در اصلاح سیستم‌های اقتصادی مبتنی بر فرماندهی از بالا نشان می‌دهد که مشی رفرفرم‌های آرام و حساب شده توأم با حفظ برنامه ریزی متمرکز، تنها امید برای متحول کردن اینگونه نظام‌های اقتصادی محسوب می‌شود. یلتسین و دستیارانش ایدئولوژی محافظه‌کاری جدید را الگو قرار داده‌اند و راه چاره همه مشکلات اقتصادی روسیه را در "معجزه بازار" جستجو می‌کنند. آنها این ماجراجویی را "درمان توأم با شوک" نام گذاشته‌اند و با تصمیمات عجولانه، تولید داخلی را در روسیه بی‌پوشته کاهش داده‌اند.

در هر صد سیاسی، یلتسین حکومت خود را با شیوه‌های دیکتاتوری فردی توأم کرده است. عملاً حق کنترل دولت و رئیس‌جمهور از پارلمان سلب شده است. در روسیه به بخشنامه‌های یلتسین حکم قانون می‌دهند و از "امتناس" بودن سیستم پارلمانی برای روسیه سخن می‌گویند.

وضعیت در سایر جمهوری‌های شوروی سابق نیز بهتر نیست. در بسیاری از جمهوری‌ها بخش بزرگی از جمعیت، روس است و معلوم نیست با جدایی کامل، این گروه از مردم چه نقشی در تعیین سرنوشت این کشورها خواهند داشت. به عنوان نمونه در استونی روس‌ها از حق شرکت در انتخابات محروم بودند. در لیتوانی، انتخابات اخیر نشان داد که مردم از شعارهای استقلال طلبانه خسته شده‌اند و می‌خواهند استقلال با حفظ پیوندهای اقتصادی توأم باشد. لیتوانی همه منابع انرژی خود را از روسیه تهیه می‌کرد. کالاهای ساخت این جمهوری در قرب خریداری ندارد و اگر بازاری داشته باشد، در روسیه و سایر بخش‌های شوروی پیشین است. بنابراین اگر مردم این جمهوری به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی باشند، چاره‌ای جز مناسبات نزدیک اقتصادی با همسایه بزرگ شرقی خود ندارند. قابل پیش‌بینی است که مشاعه این چرخش در سایر جمهوری‌های شوروی سابق نیز پدیدار شود.

فاجعه‌بارترین نتیجه تلاشی شوروی، سرباز کردن زخم‌های اختلافات ملی و قومی است که در سال گذشته ده‌ها هزار قربانی گرفته است. تنها یک نگاه به فهرست کانون‌های بحران در قلمرو سابق شوروی، یادآور ابعاد فاجعه است: درگیری مولداوی و روس‌ها، جنگ گرجستان و آبخاز، جنگ آذربایجان و ارمنستان، جنگ داخلی تاجیکستان،



سارایوو گوشه‌ای از فاجعه بحران بالکان

تشیع میان تاجیکها و از یکجا، استقلال طلبی منطقه خودمختار چین و اینگوش، بحران بالتیک و ... تکه پاره کردن غیر مسئولانه کشوری بزرگ و کثیرالمله مانند شوروی، موقعیتی ایجاد کرده است که خود مبتکران تجزیه نیز کنترل آن را از دست داده‌اند.

اروپای شرقی پس از انحلال اردوگاه "شرق"

کشورهای اروپای شرقی پس از سقوط دولت‌های احزاب کمونیست، مسیرهای تحول متفاوتی در پیش گرفتند. در حالی که در برخی از آنها هویت مننی دگرگونی محدود مانده و نشانه‌هایی از بقیود اوضاع اقتصادی دیده می‌شود، در اکثر این کشورها گذار به اقتصاد بازار با کاهش سطح زندگی مردم همراه بوده است. تقریباً همه کشورهای اردوگاه سابق شرق اروپا چشم‌انداز امید به اقدام در جامعه اروپا که در قریب این قاره شکل می‌گیرد بسته‌اند، اما مشکلات و ناهماهنگی‌های خود بازار مشترک تا بحال مانع از تحقق امیدهای اروپای شرقی شده است. مهاجرت از شرق به غرب، به یک مشکل جدی اروپا تبدیل شده، و قریب نژوتمند در این فکر است که چگونه می‌تواند با احیای "پرده آهنین" این سیل را متوقف کند. بازارهای شرق آلمان پر از لمستانی‌های است که اجناس کشور خود را به جای ارزان در آلمان عرضه می‌کنند، و در لهستان نیز این روس‌ها هستند که بازار ترتیب می‌دهند. سطح زندگی در شرق آلمان از قریب آن پایین‌تر، در لهستان از شرق آلمان پایین‌تر و در روسیه از لهستان پایین‌تر است. با این حال، مجارستان و تا حدی بلغارستان توانسته‌اند در برخی عرصه‌ها سرمایه‌گذاری خارجی را جلب کنند. در این دو کشور نشانه‌هایی از بقیود مشهود است. در چکسلواکی، مسئله ملی میان چک‌ها و اسلوواک‌ها حل محتملترین معضلات سیاسی و اقتصادی را تحت الشعاع خود قرار داده است. رومانی وضعیت کم‌کم نابسامانی دارد و ثبات سیاسی نسبی که در پیروزی ایلیسکو و حزبش در انتخابات اخیر نمود یافت، نتوانسته است فلاکت اقتصادی این کشور را درمان کند. در سال ۱۹۹۲ مجدداً هزار تن از مردم رومانی و بویژه کولی‌های ساکن این کشور به غرب اروپا و بویژه آلمان مهاجرت کردند.

در سال گذشته، جنگ میان عربستان و کرواتسی به بوسنی-هرزگوین گسترش یافت. گفته می‌شود در این جمهوری طی سال ۱۹۹۲ مجده بر اثر نگرانی جنگ شده‌اند. اروپای غربی که با به رسمیت شناختن استقلال اسلوونی و کرواتسی، زمینه گسترش جنگ بالکان را فراهم کرد، اکنون در حالی شاهد شعله‌ور ماندن آتش این جنگ است که خاموش کردن این آتش از عهده قدرت‌های بزرگ خارج است.

در این سال، شورای امنیت سازمان ملل تحریم اقتصادی عربستان را تصویب کرد بدون اینکه هنوز تا آخرین روزهای سال ضمانت اجرایی رعایت این تحریم تأمین شود. در حالی که علی‌رغم عراق، همه قدرت‌های بزرگ متفق‌القول بودند و دست آمریکا را برای بر اقدام نظامی باز گذاشته بودند، در بالکان منافع کشورهای بزرگ غرب برهم انطباع کامل ندارد. آلمان بطور سنتی به کروات‌ها به عنوان متحدان خود در جنوب اروپا می‌نگرد و به همین انگیزه، نفوذ خود به عنوان نیرومندترین قدرت اروپا را یکبارگرفت تا بازار مشترک سیاست تجزیه یوگسلاوی را ببیند. این سیاست اکنون به محصه‌ای انجامیده است که در آن، آلمان با اشاره به منع قانون اساسی، خود را از دخالت نظامی در آن معذور می‌داند.

طی سال گذشته، نشانه‌هایی از یک توافق پنجانی میان صربها و کروات‌ها به ضرر مسلمانان یوگسلاوی پیشین دیده شد. اکنون بخش اعظم خاک جمهوری بوسنی - هرزگوین در دست صربها و کروات‌هاست و دولت این جمهوری تنها کنترل شهرهای بزرگ را در دست دارد. تساوت صربها در جنگ و بی‌تفاوتی غرب نسبت به سرنوشت اکثریت مردم بوسنی - هرزگوین، زمینه مساعدی برای تبلیغات بویژه بنیادگرایان و از جمله رژیم تهران فراهم کرده است که در بالکان، هرصه جدیدی برای جاد می‌بینند.

جنگ بالکان دیگر به یک موضوع دائمی گزارش‌های رسانه‌های گرومی تبدیل شده است. اگر روزی بگذرد که در آن خمپاره‌های بر روی خانه‌های مردم نیافتد و بی‌گناهی در زیر آتش گرومهای رقیب کشته نشود، حادثه‌ای شیر منترقبه رخ داده است. اکنون سخن از گسترش احتمالی جنگ به منطقه کوسوو که مردم آلبانیایی آن تحت ستم ملی صربها به سر می‌برند، و نیز مقدونیه که استقلال خود را اعلام کرده است می‌رود. در ماه گذشته شورای امنیت سازمان ملل تصمیم گرفت به کشتی‌های جنگی اجازه کنترل رفت و آمد دریایی به بنادر یوگسلاوی را بدهد و برای به کرسی نشاندن تحریم اقتصادی، استفاده از زور را نیز مجاز بدارد. اما

کیست که نداد مرزهای زمینی یوگسلاوی، به ویژه با یونان و رومانی، از کنترل خارج است و تضمین مجازات اقتصادی صربستان هم‌امکن نیست. تلاش‌های صلح‌جویانه سازمان ملل و بازار مشترک برای حل بحران بالکان تا بحال بی‌ثمر مانده است. کنفرانس ژنو که در آن نمایندگان طرف‌های مختلف جنگ بالکان حضور دارند، نتوانسته است از شدت گرفتن جنگ جلوگیری کند.

اختلافات ریشه‌دار ملی و مذهبی و سابقه مداخلات آلمان، انگلیس، روسیه و فرانسه در بالکان، بر بفرنجی این بحران می‌افزاید. این دولت‌ها به هلت پیشینه تاریخی منعی در این منطقه، نمی‌توانند میانجیان خوبی برای برقراری صلح باشند.

اروپای متحد، آرزوی واقعیت؟

در سالی که گذشت، سران دوازده کشور عضو جامعه اروپا (بازار مشترک) در شهر ماستریخت هلند گرد آمدند و پیمان را امضا کردند که بموجب آن، در طول دهه ۹۰ این جامعه گام‌های مهمی به سوی اتحاد سیاسی و اقتصادی برداشته است. قرارداد ماستریخت از جمله پیش‌بینی می‌کند که واحد پول اروپایی بنام "اکو" جای واحدهای پول ملی را بگیرد و یک بانک مرکزی اروپایی، مقدار پول در گردش، نرخ بهره‌ها و سایر اجزای سیاست مالی را تعیین کند. در ماستریخت قرار شد در هر کشور تنفیذ این پیمان طبق مقررات خود آن کشور صورت گیرد. برخی اعضای جامعه اروپا راه پارلمانی را بدین منظور برگزیدند و برخی دیگر تصمیم گرفتند نظر به اهمیت امر و اعطای بخشی از اختیارات حاکمیت ملی به ارگانه‌های مرکزی جامعه اروپا، پیمان ماستریخت را به نظر خواهی عمومی بگذارند.



یکی از کشورهایایی که راه فرزندوم را برگزید، دانمارک بود. مردم این کشور در ماه مه به قرارداد ماستریخت رای منفی دادند و بدین ترتیب، آغازگر بحث گسترده‌ای در اروپا شدند. مهم‌ترین عاملی که به رای منفی دانمارکی‌ها به ماستریخت انجامید، این بود که مردم دانمارک نسبت به هواقب توفیض اختیارات دولت ملی به یک "ایر دولت" اروپایی نگرانند. هراس از نقش و اهمیت آلمان متحد به مثابه نیرومندترین کشور اروپا در اتحاد آتی، نظر به سوابق تاریخی آلمان جای مهمی در این نگرانی‌ها بخود اختصاص می‌دهد. سیاستمداران آلمانی از هم اکنون هلنا می‌گویند که باید متر بانک مرکزی اروپا در آلمان باشد زیرا آلمان با ثبات‌ترین اقتصاد و واحد پول را در اروپا دارد. مخالفان ماستریخت در سایر کشورهای بازار مشترک، می‌گویند بانک مرکزی اروپا در آلمان، همان بانک فدرال فعلی این کشور (بوندس بانک) خواهد بود که در طول سال ۱۹۹۲ با بالاترین داشتن بهره‌ها، باعث کم ارزش شدن واحد پول سایر کشورها و بویژه انگلیس و ایتالیا شد. از نظر مخالفان ماستریخت، آنچه امپریالیسم آلمان با دو جنگ جهانی بدان دست نیافت، با سیاستهای بوندس بانک و تأسیس بانک مرکزی اروپا در آلمان تحقق خواهد یافت. سلطه بر اروپا.

بدنبال شکست دولت دانمارک در جلب موافقت مردم این کشور با ماستریخت، دولت فرانسه اعلام کرد برای زدودن هر گونه شبهه، این پیمان را به رای عمومی خواهد گذاشت. ماه‌های تابستان، ایام بحث و جدل شدید در فرانسه پیرامون قرارداد ماستریخت بود. در رای گیری ماه سپتامبر، باینکه میتران رئیس جمهور و رهبران احزاب سوسیالیست، کلیست و تنها اکثریت ضعیفی از مردم شده بودند، تنها اکثریت ضعیفی از فرانسوی‌ها به پیمان ماستریخت رای مثبت دادند. قطب بندی افکار عمومی اروپا پیرامون ماستریخت، تلاطم در نرخ‌های برابری ارزهای اروپایی و اختلاف اخیر بر سر چگونگی توافق با آمریکا در مورد سوبسیدهای کشاورزی، آنچه را که می‌تواند "روند ماستریخت" نام‌گیرد، تضعیف کرده است. تردیدها در مورد آینده اروپای متحد، بسیار است. انگلیس از هم اکنون حق عدم پیوستن کامل به روند وحدت را برای خود در متون قرارداد گنجانده است. در فرانسه جبهه مخالف اتحاد اروپا بسیار نیرومند است، آن هم در کشوری که از ارکان اصلی جامعه اروپا و پیشبرد وحدت محسوب می‌شود. آلمانی‌ها از بی‌ثبات شدن واحد پولشان در اروپای متحد بیم دارند. هراس کشورهای کوچک،

از نقش و در چنین شرایطی، رعایت جدول زمانی اتحاد اروپا بدان گونه که در توافق‌های قبل از ماستریخت و در پیمان ماستریخت پیش‌بینی شده است، بعید بنظر می‌رسد. بعنوان نمونه، ظاهراً قرار است از اول ژانویه ۱۹۹۳ بازار داخلی کشورهای جامعه اروپا تحقق یابد و مواضعی مانند کنترل‌های مرزی برچیده شود. اکنون گفته می‌شود بسیاری از کنترل‌های مرزی مانند بازرسی کامیونها در سال جدید نیز به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

در عرصه سیاسی، بسیاری از ناظران، بحران بالکان را آزمایشی برای کارایی جامعه اروپا به مثابه نطفه دولت آینده اروپایی می‌دانند. واقعیت این است که جامعه اروپا از این آزمایش سر بلند بیرون نیامده است. ناتوانی اروپا در حل بحران بالکان به حدی است که در اروپا بسیاری از سیاستمداران برای مداخله در یوگسلاوی به آمریکا چشم دوخته‌اند. وقتی اروپا از عهده مقابله با بحرانی در قاره خود برنماید، سخن گفتن از نقش سیاسی - نظامی اروپای متحد در جهان متلاطم کنونی، بی‌معنا بنظر می‌رسد.

مشکلات داخلی کشورهای بازار مشترک، از سرهت پیشرفت آنها در تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ و متحد جلوگیری می‌کند. آلمان به‌مثابه بزرگترین عضو این جامعه هنوز نتوانسته است اقدام بخش شرقی خود را هم کند. اقتصاد شرق آلمان در طول سال ۱۹۹۲ نیز نتوانست به حدی از رشد برسد که بیکاری در ایالات شرقی افزایش نیابد. احزاب دست راستی افراطی می‌کوشند از وضعیت نابسامان اقتصادی، به سوادها تفرات نژادپرستانه خود بهره‌برداری کنند. طی سال گذشته از سوی نژوتاری‌های آلمان صدها و بلکه هزاران مورد تعرض به پناهندگان و کارگران خارجی و خانواده‌هایشان صورت گرفت. آغازگر این موج حملات فاشیستی، دامن زدن به بحث در باره قانون پناهندگی از سوی حزب حاکم دمکرات مسیحی بود. این حزب با آگاهی از وضعیت وخیم اقتصادی، برای انحراف اذهان از هواقب سیاست هلموت کول در تسریع اقدام دو آلمان، و برای جلب آرا در انتخابات، دست به تبلیغات وسیعی علیه حق پناهندگی زد و بدین ترتیب، زمینه را برای فعالیت نژوفاشیست‌ها آماده کرد. اکنون در آلمان روزی نیست که تازی‌ها به یک اقامتگاه پناهندگان حمله نکنند. حدود یک ماه پیش بود که یک زن و دو دختر بچه ترک بر اثر پرتاب گویک ملولت به خانه‌شان جان خود را از دست دادند.

در فرانسه، محبوبیت میتران رئیس جمهور به پایین‌ترین حد خود رسیده است. دولت با مشکلاتی مانند اعتراض دهقانان به توافق‌های تجاری بازار مشترک و آمریکا دست و پنجه نرم می‌کند. فرانسه که علاقه دارد به عنوان مهادیده وحدت اروپا شناخته شود، در نتیجه بحث پیرامون ماستریخت به کانون فعالیت مخالفان اتحاد اروپا تبدیل شده است. در انگلیس وضعیت اقتصادی وخیم است. جان میجر نخست وزیر با اکثریت ضعیفی در پارلمان حکومت می‌کند و در داخل حزب محافظه کار خود، با جبهه سرسختی از ناسیونالیست‌ها روبروست که مخالف وحدت اروپا هستند. عقب نشینی دولت میجر در برابر تظاهرات معدنچیان علیه تعطیل معادن زغال سنگ نشان داد که دولت فعلی دیگر آن "اقتدار" دولت تاچپر را ندارد.

در ایتالیا، سال ۱۹۹۲ سال قتل‌های بی‌پایه مانیا بود. فالگونه و بورس‌سالینو دو باز پرس ضد مافیاد را این سال توسط گانگسترها کشته شدند. اعترافات سران زندانی مانیا نشان می‌دهد که باندهای جنایتکار، تا سطوح بالای دولت ایتالیا نفوذ دارند. کشورهای اروپایی از رکود کنونی اقتصاد سرمایه‌داری رنج می‌برند. یک نشانه بارز هواقب این رکود، به هم ریختن سیستم برابری ارزهای اروپایی بود. در نتیجه این تلاطم‌ها، اکنون بوند انگلیس و لیر ایتالیا از نظام هماهنگ ارزهای بازار مشترک خارج شده‌اند. نمود دیگر مشکلات اقتصادی اروپا، جنگ تجاری میان بازار مشترک و ایالات متحده است که آغاز آن به ماه گذشته باز می‌گردد. در چارچوب مذاکرات برای "موافقت نامه کلی گمرکی و تجاری"، اروپایی‌ها و آمریکا در مورد مقدار و نحوه پرداخت سوبسید به بخش‌های مختلف اقتصاد به توافق نرسیدند. آمریکا بازار مشترک را متهم می‌کند که با پرداخت سوبسیدهای کلان، به ویژه در عرصه کشاورزی، مانع اقتصاد و تجارت آزاد جهانی است. ماه گذشته دولت آمریکا تحت عنوان اقدام متقابل در برابر بافشاری اروپا بر سوبسیدهای دانه‌های روغنی، هوارض گمرکی سنگین بر واردات مواد خوراکی لوکس مانند شراب از اروپا وضع کرد. هفته گذشته نیز اعلام شد هوارض مشابهی بر فولاد تولید شده در اروپا تعیین خواهد شد.

آنچه به صورت جنگ سوبسید و هوارض گمرکی بین اروپا و آمریکا بروز کرده است، در حقیقت تشدید رقابت میان دو کانون سرمایه‌داری جهانی در شرایط پس از حذف شوروی، دشمن مشترک

سرمایه‌داری است. فعلاً این رقابت تنها در عرصه اقتصادی جلوه بارز دارد. در عرصه سیاسی، ظاهراً پیرامون مسائل اصلی سیاست جهانی بین آمریکا و اروپا توافق وجود دارد، و یا حداقل اختلافات به حدی نیست که در ملامت اظهار شود. در سازمان ملل، آمریکا بدون مخالفت قدرت‌های اروپایی مشی خود را پیش می‌برد و در مورد اکثر مسائل منطقه‌ای مانند خاور میانه نیز اروپا نفلا حرفی با گفتن ندارد. در عرصه نظامی، فعلاً طرح اروپایی‌ها برای تقویت "اتحاد اروپایی غربی" به جای ناتو زیاد پیش نرفته است. اما باید انتظار داشت با فراخوانده شدن دهها هزار سرباز آمریکایی از اروپا توسط کلینتون رئیس جمهور جدید ایالات متحده، بخشی از وظایف ناتو به اتحادیه اروپای غربی واگذار شود.

قدر مسلم این است که رقابت آمریکا و اروپا در عرصه اقتصادی محدود نخواهد ماند و دیر یا زود اختلافات سیاسی این دو کانون سرمایه‌داری نیز بروز خواهد کرد. سرعت این روند، بستگی به آمهنگ و شتاب شکل‌گیری اروپا به مثابه یک قدرت واحد با منافع کمابیش مشترک در برابر منافع سایر قدرت‌های بزرگ دارد.

پایان حکومت جمهور یخوآهان

در آمریکا

سال ۱۹۹۲، آخرین سال یک دوره دوازده ساله حکومت حزب جمهور یخوآهان در آمریکا بود. طی این دوازده سال، ریگان و جانشین او بوش "انقلاب محافظه‌کارانه" را در ایالات متحده تحقق بخشیدند. دولت آمریکا خود را در این دوازده سال باز هم بیشتر مسلح کرد، از خدمات رفاهی و بهداشتی و آموزش کاست، بار مالیات سرمایه را سبک‌تر کرد و بدهی‌های خود را به رقم نجومی هزار میلیارد دلار رساند. اقتصاد آمریکا اکنون بر اثر این مشی ماجراجویانه بسیار نابسامان است، و گفته می‌شود کلینتون که در انتخابات جرج بوش را شکست داد نیز بسیار بعید است که بتواند مشکلات اقتصادی عظیم آمریکا یعنی رکود و کسری بودجه را حل کند.

در سال گذشته، یک سلسله ناآرامی‌های نژادی شهرهای بزرگ آمریکا را تکان داد. آغازگر این ناآرامی‌ها، تیرنه شدن چند مامور سفید پوست پلیس بود که در نزدیکی لوس‌آنجلس در حالی که یک شاهد بطور تصادفی مشغول گرفتن فیلم ویدئویی از صحنه بود، یک سیاهپوست را تا سرحد مرگ کتک زدند. همد مجازات این ماموران توسط دادگاه بخودی خود برای آمریکا قیر هادی نبود. آنچه موج ناآرامی‌ها را براه انداخت این بود که دادگاه علیه رقم ثبت جرم مسلم افراد پلیس در فیلم ویدئو، آنها را تیرنه کرد. در جریان ناآرامی‌های لوس آنجلس و سایر شهرهای بزرگ، دهها تن کشته شدند. این شورش‌ها بار دیگر نشان داد که شهرهای بزرگ آمریکا بیمارند. آمیزه‌ای از مسائل حادی مانند رکود اقتصادی، بیکاری، فقر تبعیض نژادی و ویرانی و رهاشدگی شهرها، آتم در ثروتمندترین کشور جهان، پتانسیل عظیمی از قهر ایجاد کرده است که بطور روزمره بصورت حیایات کوچک و بزرگ جلوه می‌کند و هر از چندی تا سرحد شورش‌های عمومی شدت می‌یابد.

آیا آسیا شاهد شکل‌گیری الگوی جدید

رشد است؟

سال ۱۹۹۲، سال شکست مشی تحریم در برابر چین بود. کشورهای غربی از ژوئن ۱۹۸۸، هنگامی که در میدان تین آن من پکن ارزش چین تظاهرات دانشجویان برای دمکراسی را سرکوب کرد، علیه چین تحریم‌های سیاسی و اقتصادی وضع کرده بودند که در سال گذشته تقریباً بطور کامل پایان یافت. چین به‌ای این چرخش را از جمله با عدم مقاومت در برابر طرح‌های آمریکا و غرب در سازمان ملل پرداخت.

کنگره حزب کمونیست چین که اخیراً برگزار شد، بر مشی تنگ شیائو پینگ که در عرصه اقتصادی، سمت‌گیری به سوی بازار و در عرصه سیاسی، حفظ نقش رهبری حزب است، صحه گذاشت و ترکیب رهبری حزب را بسود طر ندادن اصلاحات اقتصادی تغییر داد. در چین اکنون سیاست "دو سیستم اقتصادی در یک کشور" به اجرا گذاشته می‌شود. طبق این سیاست، در شهرهایی مانند شانگ‌های و کانتون اقتصاد بازار آزاد برقرار می‌شود. این شهرها مناطق آزاد تجاری اعلام خواهند شد. الگوی دولت چین برای این مناطق، هنگ کنگ است که هنوز تحت اداره بریتانیاست اما تا پایان دهه ۱۹۹۰ حاکمیت آن به چین باز خواهد گشت. پکن قول داده است که هنگ کنگ را همانگونه که هست اداره کند.

سیاست‌های اقتصادی دولت چین تا بحال موفقیت آمیز بوده است. مشابه این سیاست‌ها در سال گذشته در ویتنام به اجرا گذاشته شد و در این کشور نیز به موفقیت‌هایی انجامید. در چین و

اروپا را چه می شود؟

محمود

آن را جوانان زیر ۲۵ سال در این بخش از آلمان تشکیل می دهند.

اتریش
مؤاداران ایده آلمان بزرگ بر پایه سنت فاشیسم در این کشور توانستند بعد از جنگ دوم جهانی مجدداً خود را در سال ۱۹۴۹ در (Unabhängigen Verband der vdu) سازماندهی کنند. از این سازمان در سال ۱۹۵۶ حزب جدیدی بنام FPO بوجود آمد. این حزب به رهبری (Jörg Haider) توانست در سال ۱۹۸۶ ۲۹٪ آرا را در ایالت کرنتن بدست آورده و قدرت را در این ایالت بدست گیرد. قدرت این حزب در ایالات دیگر نیز روبه افزایش است.

بلژیک
در سال ۱۹۷۹ بلوک فلاموندا در بلژیک با خواسته های رادیکالی چون جدایی هلندی زبان های بلژیک بوجود آمد. با گذشت زمان، خارجی ستیزی به مرکز فعالیت این بلوک تبدیل شد. این بلوک موفق شد در سال ۱۹۹۱ تعداد کرسی های خود را در پارلمان بلژیک از ۲ به ۱۲ برساند و در (Antwerpen) دومین شهر بزرگ این کشور ۲۵٪ آرا را به خود اختصاص دهد.

سوئیس
سنت گرایی در مردم سوئیس سابقه تاریخی دارد. حرکات ضد خارجی ها و پناهندگان اخیراً شکل خشونت باری به خود گرفته است. در کنار حزب "حرکت ملی" که در سال ۱۹۶۰ بوجود آمد و اینک نام "دموکراتهای سوئیس" را بر خود نهاده است، احزاب دیگری هم بوجود آمده اند. در سال ۱۹۸۵ اعضای پارلمان از

فاشیسم موسولینی دارد، از سال ۱۹۴۸ همواره با آرائی در حد متوسط ۴/۵ تا ۸/۷ درصد در پارلمان ایتالیا حضور دارد. در ماه مه ۱۹۹۰ نیرویی جدید بنام (Lega Nord) وارد صحنه سیاسی ایتالیا گردید. این حزب که در شمال تروونت وضعیتی ایتالیا فعالیت می کند و خود را از نژاد ژرمن میداند، خواهان جدایی از جنوب فقیر و مافیازده است. این حزب موفق شد در انتخابات سال ۱۹۹۰ ایتالیا ۲۰/۲٪ آرا را در شمال این کشور به خود اختصاص دهد.

آلمان
باتوجه به سابقه تاریخی در دناکی که ملل دنیا از ظهور نازیسم در آلمان دارند، روند جدید قدرت گیری احزاب نازیست در آلمان حساسیت بیشتری را برمی انگیزد. در سال ۱۹۸۶ حزب فاشیستی (Republikaner) موفق شد برای اولین بار بعد از جنگ در منطقه بایر ۳٪ آرا را کسب نماید. در سال ۱۹۸۹ همین حزب موفق شد در برلین غربی ۷/۵ درصد آرا را بخود اختصاص دهد. در انتخابات ایالات بادن - وتمبرگ (R E P) توانست با ۱۵/۹٪ به سومین حزب در تمدن ایالت تبدیل شود. گروه های دیگری که حتی دارای دستجات مسلح ضربت هم هستند، از قبیل DVU و NPD موفق شدند در انتخابات فرانکفورت و برمن ۳ و ۶٪ آرا را احراز نمایند. با یکی شدن دو آلمان نقطه ثقل فعالیت این احزاب و گروه ها به آلمان شرقی سابق منتقل شد که اینک بیشترین اعضا و هواداران

نگاهی گذرا به رویدادهای اخیر در کشورهای اروپایی نشان می دهد که احزاب دست راستی افراطی فاشیست ها و نئونازیست ها روز بروز قوی تر می شوند. شهر و ندان خارجی، بتناسب وضع ظاهری که تا حدت با اروپاییان متفاوت است، در معابر، خیابانها و مترو مورد حمله گروه های چاقو دار قرار می گیرند. دوگاه پناهندگان در آلمان به آتش کشیده می شود و این عمل تشویق های برین را برمی انگیزد. براساسی اروپا و اروپاییان را چه می شود؟

آغاز روند پیشرفت احزاب دست راستی افراطی را می توان از اواسط دهه ۸۰ بخوبی مشاهده کرد. این روند خود را در انتخابات کشورهای مختلف اروپایی به نمایش می گذارد. فرانسه
در سال ۱۹۸۳ (National Front) در فرانسه توانست اولین موفقیت خود را در انتخابات منطقه ای بدست بیاورد. همین حزب در سال بعد با ۱۱٪ در انتخابات پارلمان اروپا تبدیل به حزب توده ای گردید. سال ۱۹۸۶ در انتخابات پارلمان فرانسه ۹/۹٪ و در سال ۱۹۸۸ در انتخابات ریاست جمهوری با ۱۴/۴٪ و در سال ۱۹۹۲ در انتخابات منطقه ای با ۱۳/۹٪ به یک وزنه در صحنه سیاسی فرانسه تبدیل گردیده است. ایتالیا
بعد از شکست فاشیسم در ایتالیا، احزاب دست راستی افراطی مجدداً فعالیت خود را از سال ۱۹۴۶ آغاز کردند. (Social Italiano) که M S I (Movimento) به لحاظ ایدئولوژیک اعتقاد به

بهرتر دانستن رابطه دارد. راسیسم در زبان و فرهنگ است که امکان ادامه حیات می یابد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردد. فان و ایک محقق معاصر هلندی معتقد است که کلمات و جملات دارای اطلاعات مخصوص به خود هستند که هر انسان در طی روند اجتماعی شدن خود نه تنها یک زبان را که به اصطلاح زبان مادری نام دارد می آموزد بلکه اطلاعاتی که مربوط به این کلمات است را هم می آموزد. بطور مثال اگر کلمه "خارجی" در یک فرهنگ حاوی اطلاعات منفی باشد طبیعتاً هم انسانهای این مجموعه به هر خارجی با دید منفی نگاه میکنند. راسیسم در زبان و فرهنگ را می توان به آثار مجامعی تشبیه کرد که مجامع حاوی آن از قبیل "جوک، ضرب المثل، تشبیهات" و غیره است.

واقعیت اینجاست که تفاوت های عظیم شمال و جنوب، رفاه نسبی اجتماعی و انباشت ثروت و تصویری از دموکراسی در شمال و فقر و جنگ، بیگاری و دیکتاتوری در جنوب، این قرن راه قرن مهاجرین و فراریان مبدل خواهد کرد. اما شمال نیز به واسطه ماهیت سرمایه داری خود، ناچار است که آن روی سکه را هم نیز تحمل نماید. ترس از بیکاری، بحران های اداری، گرانی و غیره همه عواملی هستند که زمینه را برای رشد فاشیسم آماده میکند. باید به این نکته هم اذعان داشت که مردم شمال به رفاه اجتماعی خود معتاد شده اند و حضور مهاجرین را خطری برای رفاه خود می دانند. اما نکته دیگر اینست که سیاستمداران هم تکالیف خود را بدرستی انجام نمی دهند، بطور مثال باید طی ده سال گذشته بیسی از یک میلیون خانه در آلمان ساخته می شد که نشد. شهروند آلمانی

احزاب FDP و SVP حزب راست افراطی (Lega Ticino) که تاکنون ناشناخته بوده است، موفق شده در سال ۱۹۹۱ ۲۳/۴٪ آرا احراز نمایند.

انگلستان
در انگلیس حزب (British National Party) در حال قدرت گیری است و حتی روند قدرت گیری این احزاب را می توان کشورهای اسکندیناوی مشاهده کرد. در همین اواخر حزب "پیشرفت" در دانمارک، ۶/۴ درصد آرا را بدست آورد. حزب دیگری با همین نام در نروژ ۱۳٪ آرا، و حزب "دموکراسی جدید" در سوئد ۶/۷٪ آرا را کسب کردند.

بی شک شرق اروپا هم همین روند افراطی می کند و درگیری های ناسیونالیستی همچنان در صدر اخبار روز قرار دارد. آنچه که راسیسم مدرن را بعد از جنگ دوم جهانی مجدداً زنده کرد، اینست که دیگر دنبال ارزش گذاری "بیولوژیک" بین انسانها نیست، بلکه تفاوت های فرهنگی را محمه می کنند. این مشی جدید توسط روشنفکران فرانسوی با تکیه بر تئوری سیمناوی آلمانی سالهای ۳۰ و ۱۹۲۰ همچون اسوالد اسپنگلر، ارنست پونگر و مولر فون دن بروک و بطور کلی از طرفداران اندیشه "انقلاب

سنتی" برآمده که پدر فکری همه آنها فردریش نیچه است. راسیسم در فکر و اندیشه آغاز می شود، در زبان و فرهنگ ریشه می یابد و سرانجام در عمل خود می نمایاند. راسیسم در فکر و اندیشه رابطه مستقیم با قوه و قدرت "در یافت" انسان دارد. ارزیابی مثبت و یا منفی از انسانهای دیگر که ظاهرشان با "من" متفاوت است با "خود پسندی" و خود را

خود این امر را دامن می زند. راست افراطی هم مشکلات موجود را عمده کرده، به ترس مردم از آینده دامن زده و آب را به آسیاب خود می ریزد.

اینک این سوال مطرح است که آیا دنیا بار دیگر با خطر فاشیسم روبروست؟ هیچ شکی در این نیست که در اروپا روند قدرت گیری این نیرو مشهود است، اما با یک مقایسه ساده دهه ۹۰ با دهه ۳۰ این مسئله آشکار خواهد شد که تاریخ دوباره تکرار نخواهد کرد. زیرا اولاً ترس از تکرار فجایع گذشته در اذهان عمومی هنوز وجود دارد، ثانیاً نیروهای دمکرات از دهه ۷۰ به این سو همواره در حال رشد بوده اند، تنفیک میلیون نفر در پاریس در اعتراض به خراب کردن گورستان یهودیان تظاهرات کردند، همین اعتراضات طی هفته های گذشته با حضور بیش از ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار نفر در شهرهای آلمان صورت گرفت. سوم اینکه، اینک فاشیسم از پشتیبانی سرمایه ملی برخوردار نیست، زیرا بعد از جنگ دوم جهانی برای مقابله با خطر "سرخ" کشورهای غربی با هم متحد شدند که او نتایج این اتحاد روند شکل گیری سرمایه های ملی را شتاب بیشتری بخشیده است. امروز اگر قرار باشد که فاشیسم در یک کشور قدرت برسد، بی شک این کشور یک شوک اقتصادی حاصل از عقب نشینی سرمایه دیگر کشورها را باید متحمل شود. چهارم اینکه بسیاری از احزاب سنتی حاکم در کشورهای اروپایی با یک حرکت به راست بطور مثال در آلمان با محدود کردن قانون پناهندگی و یا مهاجرت قادر به خلع سلاح احزاب فاشیستی و نئونازیستی هستند.



پارلمان را منحل کرد. فوجی موری رئیس جمهور پرو از هنگام این شبه کودتا عملاً به دیکتاتور پرو تبدیل شده است. او در سال گذشته به نخستین موفقیت خود دست یافت. نیروهای امنیتی پرو رهبر جنبش چریکی راه درخشان را دستگیر و ضربه سنگینی به این جنبش وارد کردند.

سال ۱۹۹۲، سال پیروزی جنبش گسترده مردم برزیل علیه رئیس جمهور فاسد این کشور بود. با انتشار اسناد فیر قابل انکاری در مورد رشوه خواری پرزیدنت کولور، به مدت چندین هفته تظاهرات وسیعی علیه رئیس جمهور برزیل برپا شد که در نتیجه آن، پارلمان بزرگترین کشور آمریکای لاتین به عدم صلاحیت رئیس جمهور رای داد. اکنون کیفرخواستی علیه کولور تنظیم شده است و انتظار می رود وی بطور قطعی از سمت خود برکنار شود.

کنفرانس ریودوژانیرو

در سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار، سران همه کشورهای جهان در ریودوژانیرو گرد آمدند تا در باره مسائل رشد اقتصادی و حفظ محیط زیست به گفتگو بنشینند. هر چند مقاومت آمریکا در برابر تصویب مقررات بین المللی برای کاستن از اشاعه گازهای موثر در تخریب محیط زیست، و نیز اختلاف میان کشورها پیرامون نحوه تنظیم رابطه میان حفظ محیط زیست و توسعه اقتصادی جهان سوم، باعث شد که کنفرانس ریو نتواند به نتایج ملموس و قابل ذکری در حل مسائل عمده جهان ما دست یابد، اما صرف برگزاری چنین اجلاسی، آنگاه در سطح سران کشورها، نشان داد که آگاهی جامعه بشری از خطراتی که آن را تهدید می کند، رو به افزایش است. پرسش اصلی این است که آیا آنگاه گسترش این آگاهی به پای سرعت بسط روندهایی که مانی حیات بشریت را تهدید می کند، می رسد یا نه. سال ۱۹۹۲ در حالی به پایان می رسد که بر مشکلات مزمن مانند تخریب محیط زیست و فاصله عظیم میان جهان ثروتمند و فقیر، جنگها و بحران های جدید نیز افزوده شده است. هلاک نابودی مانی طبیعی زندگی انسان پیوسته آشکارتر می شود بدون اینکه اقدامات موثر و کافی از سوی دولت ها انجام گیرد. خری که در این سال که اکنون به پایان می رسد نشانه های امیدبخش از درک این ضرورت، ناچیز بود.

قدرت به اکثریت مردم نیست. در همین حال، تحریم های غرب علیه آفریقای جنوبی لغو شده است بدون اینکه آبار تاید بطور کامل از میان رفته باشد. در میان مردم سیاه پوست آفریقای جنوبی، سرخوردگی از راه حل های مسالمت آمیز برای دست یابی به دموکراسی رو به گسترش است و آمادگی برای آوردن به راه های خشونت آمیز افزایش می یابد. دولت پرتوریا نیز با ادامه حمایت از بالدهای دست راستی مانند جنبش اپیکاتا به خشونت در این کشور دامن می زند.

در آنگولا، گروه دست راستی اونیتا که طی انتخابات آزاد اخیر شکست خود با کار شکنی در برابر اجرای تصمیم مردم، این کشور را به آستانه از سرگیری جنگ داخلی کشانده است.

آمریکای لاتین در سال گذشته

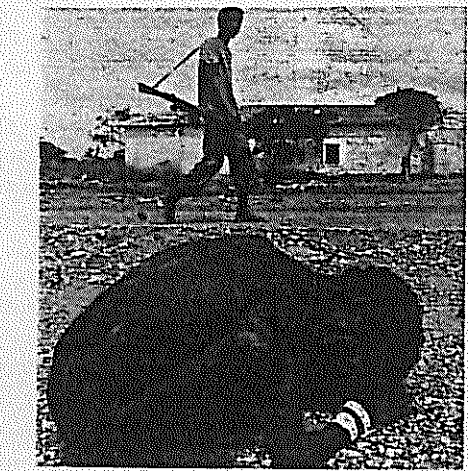
پیش بینی برخی ناظران غربی مبنی بر سقوط قریب الوقوع دولت کاسترو در کوبا، طی سال ۱۹۹۲ نیز به وقوع نپیوست. اما دولت جرج بوش با تشدید تحریم های اقتصادی علیه کوبا سیاستی را به اجرا گذاشته است که هدف آن ساقط کردن دولت کوبا از طریق تحمیل فشارهای هر چه بیشتر به مردم این کشور است. کاسترو طی سال گذشته نیز پیوسته تاکید کرد که مصمم به مقاومت در برابر فشارهای امریکاست. کوبا اکنون از کمک های شوروی سابق و اروپای شرقی محروم شده است و با مشکلات اقتصادی جدی روبروست. در اواخر سال سازمان ملل متحد تحریم اقتصادی کوبا توسط امریکاراجحکوم کرد.

دولت امریکا در حالی که به اسم تلاش برای تامین حقوق بشر، فشارهای شدیدی به کوبا وارد می کند، طی سال ۱۹۹۲ اقدام موثری علیه زیر پا گذاشته شدن آشکار موازین دموکراسی و حقوق بشر در هائیتی انجام نداد و حتی پناهندگان اهل هائیتی را که پس از کودتای نظامیان این کشور علیه پرزیدنت آریستید رئیس جمهور منتخب، می کوشیدند با قایق خود را به امریکا برسانند، به هائیتی بازگرداند.

در حالیکه در هائیتی کودتا علیه رئیس جمهور صورت گرفت، در پرو و این خود رئیس جمهور بود که دست به کودتا از بالا زد و با نقض قانون اساسی،

با اسلحه ای که در دست دارند به کاری که خواهند دست می زنند. جنگ داخلی و گرسنگی، صدها هزار تن از مردم سومالی را به قربانی گرفته است.

محموله های کمک خارجی بدست باندهای مسلح می افتد و مردم از آن بی نصیب می مانند. در هفته های آخر سال امریکا به



کودکی گرسنه در حال مرگ و یک فرد مسلح: تصویری آشنادر سومالی

نمایندهای از سازمان ملل برای توزیع این کمک ها در میان مردم سومالی مداخله مسلحانه کرد. مداخله مسلحانه امریکا در سومالی که زیر شعار نجات مردم این کشور از تحطی و کشتار صورت گرفته است در اساس بخاطر تامین حضور امریکادر این نقطه دارای اهمیت سوق الجیشی مهم میباشد. اکنون این پرسش مطرح است که آیا بروز شبه استعمار در شاخ آفریقا مطرح نیست؟

در اتیوپی نیز با حذف منگیستو هایل مریم شرایطی به وجود آمده است که از امید به حفظ وحدت این کشور می کاهد. اقوام و مناطق مختلف در این کشور با یکدیگر رقابت دارند و این رقابت گاه در شکل زدو خورد های مسلحانه نیز ظاهر می شود.

در آفریقای جنوبی، در سال گذشته مشی اصلاحات متوقف شد. دولت دکلرک رئیس جمهور این کشور نشان داد که عملاً حاضر به واگذاری

ویتنام مشی اصلاحات اقتصادی با تغییرات سیاسی همراه نیست و هنوز گشایش سیاسی صورت نگرفته است.

روند حل بحران کامبوج طی سال ۱۹۹۲ با موانع جدی روبرو شد. خبرهای سرخ در برابر طرح سازمان ملل برای برگزاری انتخابات آزاد مقاومت می کنند و اکنون سخن از اعمال تحریم و مجازات از سوی سازمان ملل علیه خبرهای سرخ می رود. این وضعیت، آینده کامبوج را زیر علامت سؤال برده است.

تایلند در سال گذشته شاهد قیام مردم برای دمکراسی بود. این قیام به بهای جان صدها نفر، به حکومت مستقیم ژنرال ها پایان داد. اکنون دولت برآمده از انتخابات آزاد در تایلند حکومت می کند.

اقتصاد تایلند طی سالهای گذشته یکی از بالاترین نرخ های رشد در جهان را داشته است. برخی نظریه پردازان، با اشاره به مشابهت های معینی میان روند تحولات در کشورهای شرق آسیا، تئوری "الگوی آسیایی رشد" را مطرح می کنند.

این تئوری می گوید برای غلبه بر عقب ماندگی، طی یک دوره گذار، باید یک دولت مقتدر و با ثبات حکومت کند که در همین تشویق سرمایه گذاری خصوصی و اقتصاد بازار آزاد، مانع تلاطم های سیاسی شود. طرفداران این تئوری، از یک سو مدل کره جنوبی، تایوان، تایلند، سنگاپور و از سوی دیگر الگوی چین و ویتنام را ملاک سنجش نظریه خود قرار می دهند. مخالفان این نظریه معتقدند موفقیت ویژه اقتصادی کشورهای نامبرده تنها در شرایط ویژه شرق آسیا امکان پذیر بوده و قابل تعمیم به سایر کشورها نیست. و بالاخره آنجا که محبت از آسیا است باید به هند اشاره کرد که در روزهای پایانی سال، شاهد درگیری خونین مذهبی بود. تخریب مسجد باری توسط هندوهای متعصب، خطر تشدید جنگ فرقه ای و مذهبی در این کشور پنهان را که به کشور دموکراسی در آسیا مشهور است، افزایش داده است.

آفریقا و مصادب آن
سال ۱۹۹۲ برای کشورهای آفریقای مصادب زیادی به همراه آورد. در سومالی، با سرنگونی زیاد باره دیکتاتور این کشور شیرازه دولت از هم پاشید. اکنون این کشور شاهد هرج و مرجی بی سابقه است. باندهای وابسته به جناح های مختلف سیاسی،

پیرامون یک نامه انتقادی

قرار داده بود.
- رابطه با امریکا الزامات نفعی را نصیب ملت ما نمیکند، همانگونه که رابطه با اردوگاه سوسیالیسم حتی بوسیله رژیم اسلامی هم نمیتوانست متشا سودی برای مردم ما باشد. نفع ملت ما قبل از همه به این مربوط است که در کشور چه نوع حکومتی برقرار باشد.
- تصور اینکه رابطه حسنه با امریکا در آینده ممکنست گشایشی در فضای سیاسی کشور ایجاد کند، خطاست.
- در سرمقاله، بار دیگر همان متذکرانه حذف بدون تقدیر و بررسی یک فکر و یک موضع و اعلام فکر و موضع تازه جایگزین، بکار گرفته

به تازگی از سوی همکاران نشریه کار فرید و پژمان از بلژیک، نقدی پیرامون مفاد سر مقاله شماره ۴۷ نشریه کار در یانت کردیم. نظر به طولانی بودن این نامه انتقادی، در زیر محورهای اصلی آنرا همراه با نقل قول هایی میاوریم. محورهای مورد تاکید این نوشته از اینقرار است:
- اگر منظور نویسنده مقاله از ریگانیسم بکارگیری سیاست زور و شانناژ و قلدری باشد، باید گفت این سیاست در آستانه دهه مشتاد بوجود نیامد، بلکه همواره به اشکال پنهان و آشکار بکار گرفته شده است.
- نمیتوان ریگانیسم را بیکباره جایگزین محوله امپریالیسم کرده و امپریالیسم را به فراموشی سپرد.
- اگر "شعار مرگ بر امریکا" بلاغت است باید می گفتید که سازمان ما هم سالها این شعار را تکرار کرد و سر لوحه نشریه خود

شده است. در حالیکه "نواندیشی یعنی درک این مطلب که نه تنها گذشته اشتباه-آمیز را رد کنیم، بلکه مثل گذشته نیز عمل نکنیم و گرنه تنها انتقاد از گذشته و ادامه همان شیوه، به تغییر نمی انجامد".

نامه انتقادی رفقای گرامی فرید و پژمان با این نقل قول تمام میشود: "در کشوری که حکومتش نه تنها تکیه بر مردم ندارد بلکه حقوق بشر به خشن ترین وجهی نادیده گرفته میشود، شما تلم بر داشتید و نوشتید که مناسبات ایران و امریکا باید بهبود یابد... این همان سیاستی است که بوروکراتهای دولت رنسانسی در حال پیش بردن آن هستند و مقاله مذکور تأییدی بر این سیاست و دفاع از آنست. این سیاست درست مثل سیاست ضد امپریالیست دانستن رژیم بدون تاکید بر آزادی و دموکراسی که در گذشته ادامه در صفحه ۱۱

کمکهای مالی

*رفقای "مواد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" درونگور کانادا!
چک ارسالی شما به ارزش ۴۲۰ مارک باکد "ونکوور ۵-۹۲" را دریافت کردیم. پاسخ شما به فراخوان برای کمک به حل مشکل مالی سازمان، موجب دلگرمی همه رفقای شماست.
*از رفیق فرهاد - ک از آلمان برای تداوم نشریه کار ۵۰ مارک دریافت شد. متشکریم.
*از تشکیلات نروژ برای تداوم نشریه کار ۱۰۶۸ مارک دریافت شد. انتشار کار بصورت دوستانه چون شما امکانپذیر میگردد. از شما ممنونیم.
*کمک مالی دریافتی از هلند ۱۰۰ فلورن. سپاسگزاریم.

کار، چشم براه یاری یاران است

خوانندگان گرامی!
کار، انتشار خود را مدیون استقبال گرم شما عزیزان است. نشریه کار در آمدی جز حق اشتراک ما و تکمیر و شیبها ندارد. در آمدی که، بهیچوجه تکافوی هزینه های سنگین انتشار آن را نمی دهد. کسری تراژ پرداختت نشریه، تنها با کمک های دوستان بلند همت آن عزیزان میگردد.
تداوم انتشار نشریه کار در گرو برقراری توازن بین درآمدها و هزینه های آنست و این امر شدنی است هرگاه که رهنموی و پیشنهاد های ما با پاسخ فر خور دوستداران کار روبرو شود. پس، همچون هر وقت دیگر یار جوع به خود شما خوانندگان گرامی، شمارا تراهی خوانیم تا:
*کتاب رای به دست دوستان و آشنایان خود برسانید و آنها را به اشتراک کار تشویق کنید.
*لاگربه نشریه بدهکارید، در اسرع وقت مدعی خود را بپردازید.
*برای پرداخت به موقع حق اشتراک کار، با بعضی توزیع نشریه همکاری کنید.
*در شناسائی مراکز فروش نشریات و معرفی آنها به نشریه کار، بعضی توزیع نشریه را یاری برسانید.

نشریه کار، "فکر" را سانسور نمی کند

اسلام متقابل به آقای پساینده، بخشی از نامه شمارا که گویای انتقادات به نشریه کار و حاوی فکر شماست، در زیر میاوریم:
"من مدعی قلم زنی و چیزه دستی نیستم ولی این رلهی دانم که "فکری" دارم، همانطور که همه دارند."
اسلام متقابل، گزارش شما راجع به چگونگی نظر خواهی در سوئیس پیرامون ورود یا عدم ورود آن به بازار مشترک اروپا را دریافت کردیم. متأسفانه مقدور نشد تا از آن در این شماره استفاده شود. امیدواریم که در شماره آینده بتوانیم آن را منعکس کنیم. از شما متشکریم.
*آقای سهراب مازندرانی از سوئد "کتاب رؤیا برای مطالعات فارسی و آسیایی را دریافت کردیم. با درود متقابل به شما و همکارانتان که در سنگر کار فرهنگی تلاش می کنید. هنرمند گرامی آقای رحمان کریمی از آلمان!
مجموعه شعر "پرشاوش" حاوی سروده های شما را دریافت کردیم. از ابراز لطفتان سپاسگزاریم. نشریه کار، در آینده از اشعار این مجموعه استفاده خواهد کرد. در زیر قطعه ای از این اشعار تقدیم خوانندگان می گردد.
شب خاموشان
و صدای درباد
پشت آن ابر شناور
خورشید،
بادر منتظر است.
بسلام متقابل به آقای پساینده، بخش از نامه شمارا که گویای انتقادات به نشریه کار و حاوی فکر شماست، در زیر میاوریم:
"من مدعی قلم زنی و چیزه دستی نیستم ولی این رلهی دانم که "فکری" دارم، همانطور که همه دارند."
اسلام متقابل، گزارش شما راجع به چگونگی نظر خواهی در سوئیس پیرامون ورود یا عدم ورود آن به بازار مشترک اروپا را دریافت کردیم. متأسفانه مقدور نشد تا از آن در این شماره استفاده شود. امیدواریم که در شماره آینده بتوانیم آن را منعکس کنیم. از شما متشکریم.
*آقای سهراب مازندرانی از سوئد "کتاب رؤیا برای مطالعات فارسی و آسیایی را دریافت کردیم. با درود متقابل به شما و همکارانتان که در سنگر کار فرهنگی تلاش می کنید. هنرمند گرامی آقای رحمان کریمی از آلمان!
مجموعه شعر "پرشاوش" حاوی سروده های شما را دریافت کردیم. از ابراز لطفتان سپاسگزاریم. نشریه کار، در آینده از اشعار این مجموعه استفاده خواهد کرد. در زیر قطعه ای از این اشعار تقدیم خوانندگان می گردد.
شب خاموشان
و صدای درباد
پشت آن ابر شناور
خورشید،
بادر منتظر است.
بسلام متقابل به آقای پساینده، بخش از نامه شمارا که گویای انتقادات به نشریه کار و حاوی فکر شماست، در زیر میاوریم:
"من مدعی قلم زنی و چیزه دستی نیستم ولی این رلهی دانم که "فکری" دارم، همانطور که همه دارند."
اسلام متقابل، گزارش شما راجع به چگونگی نظر خواهی در سوئیس پیرامون ورود یا عدم ورود آن به بازار مشترک اروپا را دریافت کردیم. متأسفانه مقدور نشد تا از آن در این شماره استفاده شود. امیدواریم که در شماره آینده بتوانیم آن را منعکس کنیم. از شما متشکریم.
*آقای سهراب مازندرانی از سوئد "کتاب رؤیا برای مطالعات فارسی و آسیایی را دریافت کردیم. با درود متقابل به شما و همکارانتان که در سنگر کار فرهنگی تلاش می کنید. هنرمند گرامی آقای رحمان کریمی از آلمان!
مجموعه شعر "پرشاوش" حاوی سروده های شما را دریافت کردیم. از ابراز لطفتان سپاسگزاریم. نشریه کار، در آینده از اشعار این مجموعه استفاده خواهد کرد. در زیر قطعه ای از این اشعار تقدیم خوانندگان می گردد.
شب خاموشان
و صدای درباد
پشت آن ابر شناور
خورشید،
بادر منتظر است.

باخوانندگان

دریافت کردیم. نظر ماینست که در کار شماره ۴۸، پیرامون موارد مندرج در نامه توضیحی شما، توضیحات روشن داده شده است. موفقیات شما را خواهانیم.
*دوست گرامی از فنلاند باسلام متقابل، از همکاری شما با نشریه خرسندیم. از شما دو گزارش دریافت کردیم. گزارش اول در باره تظاهرات کردهای مقیم فنلاند و عده ای از نیروهای آزادیخواه دیگر در اعتراض به ترور رهبران حزب دموکرات کردستان ایران بود که در هلستینکی برگزار شده بود. گزارش دوم به اعتراض جمعی از ایرانیان مقیم فنلاند به شرکت جمهوری اسلامی در نمایشگاه کتاب در شهر تورکو فنلاند اختصاص داشت. این اعتراض بجا، موجب واکنش اعتراضی اتحادیه نویسندگان فنلاند نسبت به حضور جمهوری اسلامی در نمایشگاه مبرور شد. از همکاری شما با نشریه کار متشکریم.
*آقای حسن ماشمی از هلند نامه شما را دریافت کردیم در رابطه با درخواست شما، موضوع را با مسئولین مربوطه در میان گذاشتیم. با شما تماس گرفته خواهد شد. شما برای دریافت مرتب نشریه کار،

رفقای گرامی انگلستان با درود، از کوشش دستجمعی شما در ترجمه متن کامل گزارش آقای گالیندویل، صمیمانه سپاسگزاریم. دست شما را به گرمی می فشاریم.
*دوست گرامی آقای بهرام از مونیخ با تشکر از دقت نظر شما در مورد کلیشه نشریه کار، به تذکر شما عمل کردیم. دست شما را می فشاریم.
*دوست عزیز آقای کامران از فرانسه مطلب ارسالی شما را دریافت کردیم متشکریم. باز هم برای ما خبر و مطلب بفرستید.
*دوست عزیز باامام از نروژ با درود به شما و سیاست ابراز محبتی که در نامهتان کرده بودید، از تأخیر در اعلام دریافت نامه و مطلب ارسالیتان پوزش میخواستیم.
ترجمه مصاحبه سلمان رشدی با دو روزنامه معتبر نروژی را دریافت کردیم. کوشش میکنیم تا در فرصت مقتضی، بمناسبت و ضرورت، از حاصل تلاش شما در نشریه کار استفاده شود.
*دوست گرامی آقای مهرداد از مسکو ترجمه ارسالی شما بدستمان رسید. دستتان درد نکند. امیدواریم که بتوانیم در اولین فرصت، حاصل کار شما را در نشریه انتشار دهیم. منتظر ادامه همکاری های شما هستیم.
*آقای دکتر کیانژاد از آلمان نامه مورخه ۳ دسامبر شما را

با اشتراک "کار" ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>برای اشتراک نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p>		<p>بجای اشتراک نشریه کار</p>		<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p>									
<p>مایلیم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل</p>		<table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا</td> <td>۴۵ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها</td> <td>۵۲ مارک</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table>		شش ماهه	یکساله	اروپا	۴۵ مارک	سایر کشورها	۵۲ مارک		۱۰۴ مارک	<p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 37050198</p> <p>کدبانک: 37050198</p> <p>Stadtparkasse Köln GERMANY</p>	
شش ماهه	یکساله												
اروپا	۴۵ مارک												
سایر کشورها	۵۲ مارک												
	۱۰۴ مارک												
<p>بجای اشتراک بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تعبیر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p>		<p>مطالبی که با امضا فردی در کار درج می شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>		<p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 5100 Aachen Germany</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>									
<p>آدرس: (لطفاً خوانا بنویسید)</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p>													

پیرامون یک نامه انتقادی

ادامه از صفحه ۱۰

بوسیله سازمان ما دنبال میشد محکوم به شکست است.

نشریه کار: با تشکر از رفقایمان فرید و پژمان که نسبت به مواضع مطروحه در نشریه خودشان سریعاً حساسیت و واکنش نشان داده اند، در زیر نکاتی را به اختصار توضیح میدهم:

- تاکید ما در آن سرمقاله بر ریگانسیم بعنوان یکی از تجلیات سرمایه داری آمریکا و آثار و عوارض آن بوده است و نه بررسی تاریخ تجاوزها و زورگویی های این کشور طی دهه های متمادی. بر خود مسئولان و متضمن مقصود بایک پدیده سیاسی ایجاب میکند تا توضیح ویژگی های هر مرحله و یا هر شکل تجلی از آن، تحت الشعاع تفاوت کلی نسبت به آن پدیده قرار نگیرد.

- قصد ما بهیچوجه به فراموشی سپردن امپریالیسم نیست بلکه توضیح سیمای مشخص همین امپریالیسم در شکل ریگانسیم، "نظم نوین جهانی" و غیره است.

- سخن ما این نیست که بر قراری رابطه با این یا آن کشور، الزاماً نفعی را نصیب مردم ما میکند، برای تأمین این نفع به عوامل دیگری نیز نیاز است. سخن بر سر آنست که سیاست عدم برقراری رابطه و انزوا، جز زیان تری نداشته است. و زیان بطور مشخص برای مردم ما، همه واقعبینان و حامیان این ادعاست.

- در سرمقاله بهیچوجه گفته نشده است که رابطه حسنه با آمریکا در آینده منجر به گشایش فضای سیاسی خواهد شد. بلکه تاکید بعمل آمده است که هر رابطه در سطح بین المللی محلی است که نیروهای دموکراتیک کشور میتوانند بگونه سنجیده و از موضع مستقل، از آن برای تحت فشار قرار دادن رژیم ضد حقوق بشر بهره گیرند.

- کلاماً صحیح است که در گذشته، ما سالها از موضع "شعار مرک بر امریکا" حرکت کردیم. اما این نیز هست که اولاً ما در اسناد و مواضع مطروحه در چند سال اخیر بطور مضمونی از این شیوه برخورد قاطع گرفته ایم که هم پراتیک ما و مشخصاً سیمای نشریه ما در چند سال گذشته، موبد این است، و ثانیاً تصور ما این نیست که در هر نقد از یک اندیشه و مشی حال ملزم به نقد اندیشه و مشی دیروز خود میباشیم.

با اینجه، حق باشماست آنجا که انتظار دارید نشریه کار حول این نکته و یا هر مورد مهم دیگر، در ارائه مطالب ترویجی و نظری بکوشد.

ممجین باید تصریح کنیم که در رابطه با همین سرمقاله مورد انتقاد شما، انتقاداتی نسبت به برخی نکات مطروحه در آن از سوی دوستان دیگر وجود داشت؛ ضمن آنکه، همه آنها اندیشه حاکم بر مقاله را تایید و از آن دفاع میکردند.

- سخن شما در باره ترک قاطع و همه جانبه متدعای کمته کاملاً صحیح است و نشریه کار میکوشد که تجربه اندوز صادق گذشته خود و بیرون از خود باشد.

- و بالاخره در مورد اینکه این یا آن موضع گیری ما و بطور کلی سیاست و مشی ما با کدام سیاست و مشی در حکومت و ایوزیسیون نزدیک یا حتی منطبق است، البته تفاوت بر عهده افکار عمومی است. اما از نظر ما، هم اشتراکات و هم مرزهای ما با همه جریانهای سیاسی کشور روشن است و قطعاً ما میکوشیم که هر چه روشنتر نیز ترسیم گردد.

سر نوشت اقتصاد روسیه چه خواهد شد؟

بنیادگرایان اسلامی و یهودی؛ دوروی سکه بحران خاور نزدیک

نیست، تمامی زیرساخت های اجتماعی روسیه در حال فروپاشی است و غیردولتی کردن اینک بخشهای آموزش و بهداشت را نیز در بر گرفته است. براساس آمار رسمی از ۷۱ میلیون کارگر روسیه ۳۶۷۰۰۰ نفر بیکار میباشند. این رقم اما کارگران بیکاری را که به نهادهای دولتی روی آورده اند و نیز کسانی را که به صورت یاره وقت کار میکنند، در بر نمیگیرد. همچنین نزدیک به دو میلیون نفر از کارکنان کارخانه ها به مرخصی اجباری فرستاده شده اند، که در عمل تفاوتی با بیکاری ندارد. انتقاد کسانی که دولت را در عرصه اقتصادی تا وارد و بی صلاحیت می دانند، درست نیست، زیرا دولت از بهترین متخصصین روسیه بهره مند است که براساس طرح های بانک جهانی عمل میکنند. دشواری اما آنجاست که در این طرحها هلاقی و منافع مردم هیچ جایی ندارد، نخست وزیر می گویند که همه چیز طبق برنامه پیش میرود، اما مردم نمی دانند که او از چه صحبت میکند، لذا بسیاری از شهروندان برای سیاست اقتصادی دولت تردید میکنند.

مردم پیوسته نگران نان شب خویشانند. حتی آمار رسمی نیز از افزایش هزینه های غذایی مردم نسبت به درآمد آنها حکایت دارد. در حالی که در آوریل گذشته ۴۴/۷ درصد درآمد هر شهروند روسی صرف تهیه مواد غذایی میشد، این رقم در فوریه امسال به ۷۶/۵ درصد و در اوت به ۸۵ درصد بالغ شده است. با این هزینه ها دیگر پولی باقی نمی ماند که مردم وسایلی همچون کمد لباس، مبل و یا تلویزیون خویش را بخرند، تنها اقلیت کوچکی از اهل روس قادر به چنین کارهایی است.

آنچه را که مردم در مقاله ما میبینند با آمارهای رسمی همخوانی ندارد. در حالی که طبق آمار درآمدها از زمان آغاز رفورهای اقتصادی تا ۱۲ برابر و قیمتها تا ۱۷ برابر افزایش یافته اند، لیکن مردم در عمل شاید افزایش ۵۰ تا صد برابر قیمت ها میباشند. برای نمونه قیمت یک کیلو گوشت که در

دسامبر ۱۹۹۱ از ۷ روبل بیشتر نبود، پس از آزادسازی قیمتها در ژانویه سال جاری به ۱۹۴ روبل رسیده و قیمت سیب زمینی نیز در طی همین مدت از کیلویی ۳۰ کوپک به ۲۳ روبل افزایش یافته است؛ این در حالی است که درآمد متوسط اهالی از ۷۳۰۰ روبل فراتر نمیرود. باز نشستگان از اول نوامبر امسال حقوقی معادل ۲۲۵۰ روبل دریافت میدارند و حقوق بگیران عادی هم باید اقبال منظر دریافت حقوق بمانند. هنگامی که آنها سرانجام حقوق عقب افتاده خود را دریافت کنند، ارزش پول باز هم کاهش بیشتری یافته است.

آنچه را که اکنون در روسیه در حال جریان است میتوان به تعبیر مارکسیسم "ماناشت سرمایه" و یا بدین بیان لبرالی "گذار به اقتصاد بازار" نامید که هیچ ربط و شایستی با "سرمایه داری اجتماعی" مبتنی بر رفاه عمومی" که دالیم از آن سخن میروند، ندارد. برای نجات اقتصاد روسیه باید از تدابیر غربی و شوک گونه به سیاستهای اصلاحی دراز مدت روی آورد. وظیفه دولت آن است که حداقلی از زندگی را برای مردم تضمین کند. از آنجایی که در روسیه هیچ اتحادیه کاری و با انجمن صنفی در معنوم غربی آن وجود ندارد که خواستار این حداقل زندگی شود، لذا دولت فلسطینی با اقدامی کاملاً غیر قابل قبول است و انزود چرا آن ها در سرزمین خودشان در مقابل دادگاه قرار داده نمی شوند؟ در پاسخ به این اقدام اسرائیل، سازمان بنیادگرای حماس با انتشار بیانیه ای در بیروت از ادامه

باخراج ۴۱۹ فلسطینی ساکن نوار غزه توسط دولت اسرائیل از خاک این کشور، مذاکرات صلح خاورمیانه در آستانه شکست قطعی قرار گرفت. اخراج این افراد به تلافی قتل یک سرباز مرزی ۲۹ ساله اسرائیلی توسط اعضای گروه بنیادگرای حماس در هفته گذشته صورت گرفت. تصمیم دولت اسرائیل مبنی بر اخراج افراد مذکور به تصویب دیوان عالی اسرائیل نیز رسیده است.

نظامیان اسرائیل ۴۱۹ فلسطینی را پس از مدت مدیدی انتظار و با چشمان بسته و دستبند بردست از منطقه امن جنوب لبنان که مورد ادعای ارضی اسرائیل است به سمت لبنان روانه کردند. افراد مسلح ارتش جنوب لبنان که متحد اسرائیل می باشد، با شلیک بر بالای سر اسرای فلسطینی آنها را به طرف مرز لبنان راندند.

ارتش لبنان که برای مقابله با این اقدام در منطقه مرزی مربوطه کسبل شده بود، مانع از ورود فلسطینی های اخراجی به خاک لبنان شد. نخست وزیر لبنان در تماسی تلفنی با معاون رئیس جمهور سوریه ضمن ذکر این خبر گفت که اسرائیل مسئول هر اتفاقی احتمالی است که برای فلسطینی های اخراجی رخ دهد. وزیر دفاع لبنان گفت اخراج فلسطینی ها اقدامی کاملاً غیر قابل قبول است و انزود چرا آن ها در سرزمین خودشان در مقابل دادگاه قرار داده نمی شوند؟

در پاسخ به این اقدام اسرائیل، سازمان بنیادگرای حماس با انتشار بیانیه ای در بیروت از ادامه

کریچه در حدت گیری اوضاع خاور نزدیک و بویژه اسرائیل بنیادگرایان مسلمان نیز شریکند، لیکن دولت اسرائیل کماکان مسئولیت اصلی اوضاع را بر عهده دارد. این دولت اسرائیل است که با کارشکنی در مذاکرات صلح خاور نزدیک و ممانعت از همکاری در راه نیل به توافق قابل قبول، زمینه را برای ایجاد و بسط یافته در محوف فلسطینی ها از طریق نیروهای چون "حماس" و حامی آن با رژیم جمهوری اسلامی، فراهم می کند. اقدامی که در نهایت به تمایل اعراب و بویژه جوانان هرب به خشونت و بنیادگرایی اسلامی منجر می شود.

مناطق میتوانند به شماره تبل نشریه رجوع کنند. نقشه ای که در زیر دیده میشود، جغرافیای سیاسی فعلی یوگسلاوی پیشین و مرزهای جمهوریهای نو بنیاد وارث آن را نشان میدهد. از ۲۳ میلیون جمعیت یوگسلاوی سابق هشت میلیون را صربها، ۴/۴ میلیون را کرواتها، ۲ میلیون را مسلمانها، ۱/۸ میلیون را اسلوونیها، ۱/۷ میلیون را آلبانیاها، ۱/۳ میلیون را مقدونی ها، ۶۰۰ هزار نفر را موننگروویا و بقیه را ترکها، مجارها، بلغارها و اسلواکها تشکیل میدهند. مناطق A و B در نقشه، به ترتیب ایالتی خودمختار ویودینا و کوزوو در صربستان میباشند که ۸۰ درصد جمعیت کوزوو را آلبانیا و اکثریت ساکنان ویودینا را مجارها تشکیل میدهند. نام یوگسلاوی امروز به فدراسیونی اطلاق میشود که تنها در برگیرنده جمهوری های صربستان مونتنگرو است.

بحران بالکان، دخالت نظامی یا راه حل سیاسی؟

ادامه از صفحه ۱۲
فرب در بوسنی نباید چندان خوشبین بود، زیرا انگیزه های متفاوت کشورهای غربی در این امر و نیز حساس بودن کل منطقه بالکان میتوانند حذف این دخالت را به نقیض خود مبدل ساخته و جنگ را تا دوام و گسترش بیشتری بکشند. علاوه بر آن فرب هنوز همه امکانات سیاسی و اقتصادی خود را برای فشار بر صربها به کار نرفته است و مدام که از این اجرمها استفاده کامل نشده باشد، دخالت نظامی اگر از نظارت بر اجرای کامل تحریمهای هوایی، نظامی و اقتصادی علیه صربها فراتر رود، احتمالاً موجب بروز دشواری های تازه خواهد شد. قاعده بوسنی - هرزه گوین سبب شده که سازمان ملل برای پیشگیری از بروز بحرانی مشابه در مقدونیه و کوزوو و به اعزام نیرو های پاسدار صلح به این مناطق تصمیم میگیرد. خوانندگان گرامی برای آگاهی بیشتر از وضعیت بحرانی این

اقدامات اعتراضی کشاورزان اروپا

نمایندگان کشاورزان قرب اروپا در فرانسه دست به تظاهرات مشترک علیه توافق نامبرده زدند. این اعتراضات در فرانسه بیش از دیگر کشورهای سازمان داده شده است. تظاهرات کشاورزان در فرانسه و بلژیک بارها رنگ خشونت به خود گرفته و به درگیریهای میان تظاهرکنندگان و نیروهای

کار با تاخیر انتشار خواهد یافت

به آگاهی خوانندگان گرامی مقرر راندارد. کار شماره ۵۱ با میرسانیم که شماره بعدی نشریه کار بدلیل فرا رسیدن تعطیلات ۲۳ دیماه برابر با ۱۳ ماه ژانویه صید کریسمس و آغاز سال نو میلادی، امکان انتشار در موعد

پیگرد سیاسی حق پناهندگی دارند، اما نه در آلمان. اینک دولت هلموت کول و احزاب عمده آلمان بسیار از ضرورت ایستادگی در برابر نئوفاشیسم دست می زنند، اینک خود آنها با حذف حق پناهندگی ناشیستار را که ماههاست به آتش زدن اقامتگاه پناهندگان و قتل

ادامه از صفحه ۱۲

پناهندگی خواهند داشت که ناگهان به نحوی معجزه آسا مستقیماً از شکنجه گاه به آلمان منتقل شوند، و یا کسانی که بتوانند از آفریقا تا سواحل آلمان شنا کنند! این هفتت نامه می افزاید توافق اخیر به معنای چنین تغییری در قانون اساسی است: "افراد تحت

بحران بالکان، دخالت نظامی یا راه حل سیاسی؟

کنفرانس صلح یوگسلاوی "روز چهارشنبه ۱۵ دسامبر پس از شکست ۱۹ مین توافق آتش بس در بوسنی - هرزگوین کار خود را در ژنو دوباره آغاز نمود. محوری ترین موضوع این کنفرانس که ۲۹ کشور و چندین سازمان بین المللی در آن شرکت داشتند، بررسی راههای پایان دادن به جنگ در یوگسلاوی سابق بود. پاره ای از کشورها و سازمانهای بین المللی خواهان دخالت نظامی سازمان ملل در بحران بوسنی - هرزگوین شده اند.

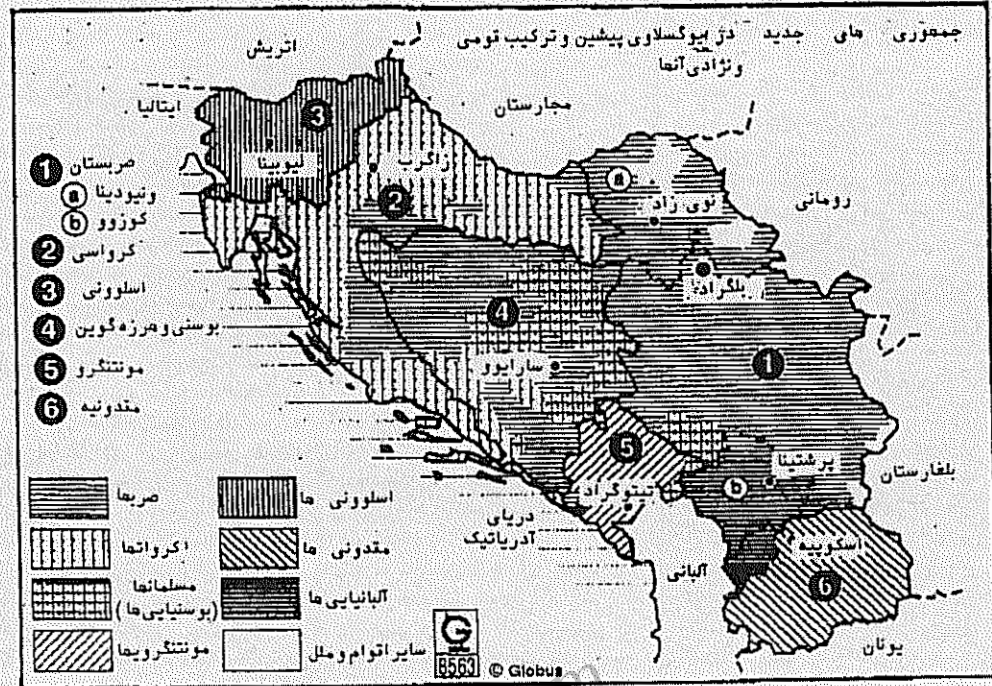
در اجلاس کنفرانس اسلامی که چندی پیش در جده برگزار شد، کشورهای شرکت کننده موکدا از سازمان ملل خواستار لغو تحریم نظامی علیه بوسنی - هرزگوین شدند. در صورتی که این خواست تا ۱۵ ژانویه بر آورده نشود، کشورهای اسلامی راههای ارسال کمک های تسلیحاتی خود به بوسنی - هرزگوین را مورد بررسی قرار خواهند داد. در همین حال دخالت نظامی نیروهای غرب در سومالی که وضعیت بهیچوجه با بوسنی قابل قیاس نیست، انتقاد به دوگانگی سیاستهای غرب را فزونتر ساخته است. این مسائل سبب شده که ۵۱ کشور شرکت کننده در کنفرانس اسلامی ضمن معرفی صربها بعنوان آغاز جنگ خواهان بررسی لغو تحریم نظامی شورای امنیت علیه بوسنی - هرزگوین شدند، تا این کشور بتواند امکانات نظامی خود را در رویا رویی با صربها تقویت کند. در این میان فرانسه نیز شورای امنیت را برای بررسی کار برد قهر در اجرای ممنوعیت پرواز صربها بر فراز بوسنی و نیز ایجاد یک منطقه امن برای شهر وندان غیر نظامی به برقراری یک جلسه فرا خوانده است.

در "کنفرانس صلح یوگسلاوی" نمایندگان آمریکا و فرانسه خواهان جدیت بیشتر در اجرای تحریم های اقتصادی و نظامی علیه صربها شده و بر بایستی دادگاهی را برای رسیدگی به جنایات جنگی رهبران عمده صرب پیشنهاد نمودند. در این میان روسیه به خاطر هم ریشگی نژادی با صربها مخالف هر گونه اعمال فشار بر آنهاست. در همین راستا

پارلمان روسیه با تصویب بیانیه ای از وزارت خارجه خواسته است که به هرگونه دخالت نظامی شورای امنیت در بالکان رای منفی دهد. انگلستان نیز به سبب پاره ای مسائل تاریخی و نیز با توجه به اینکه روندهای جاری در یوگسلاوی عمدتاً به سود سیاستهای آلمان تمام شده، مایل

پانیک یک صرب تبعه آمریکا است که از ۱۰ ماه پیش به صربستان بازگشته و در کارزار انتخاباتی خود از حمایت گسترده غرب برخوردار است. روسیه و آمریکا در حاشیه کنفرانس امنیت و همکاری اروپا با انتشار بیانیه ای آشکارا حمایت خود را از پانیک اعلام نمودند. وی قول داده است

مناطق به نقشه نگاه کنید. بر خلاف ادعای کراچیک، جنگ در بوسنی - هرزگوین با شدت تمام ادامه دارد و اوضاع سارایوو، پایتخت آن روز به روز وخامت بیشتری میابد. برق و آب در این شهر کاملاً قطع است، ارسال مواد غذایی به دلیل حمله مداوم صربها با دشواری



نیست خود را تمام و کمال در برابر صربها قرار دهد. به عبارت دیگر ارزیابی برخی محافل سیاسی لندن آن است که صربها بخاطر تضاد شان با آلمان میتوانند در آینده متحد خوبی برای انگلستان باشند.

کنفرانس صلح یوگسلاوی، هم بدلیل اختلاف نظر کشورهای غربی در باره چگونگی حل بحران و هم به سبب نزدیکی انتخابات ریاست جمهوری در صربستان بدون هیچ نتیجه ای پایان یافت. در انتخابات صربستان، رقابت اصلی بر سر احزاب پست ریاست جمهوری بین پانیک، نخست وزیر یوگسلاوی فعلی (مرکب از صربستان و مونتنگرو) و اسلوبودان میلیویچ، رئیس جمهور فعلی صربستان است. میلیویچ یکی از حامیان اصلی ادامه جنگ در بوسنی - هرزگوین به شمار میرود.

که در صورت پیروزی در انتخابات، صربهای مسلح در بوسنی - هرزگوین را خلع سلاح کند.

در این میان صربهای بوسنی - هرزگوین که تقریباً به تمام اهداف نظامی دست یافته اند با نزدیک شدن زمان انتخابات در صربستان و نیز با افزایش امتحان فشار غرب، اعلام کرده اند که جنگ را تا روز ۱۹ دسامبر پایان خواهند داد. در همین راستا کراچیک، رهبر صربهای بوسنی با شرکت در کنفرانس صلح یوگسلاوی در ژنو ضمن اعلام پایان جنگ، نقشه جدید بوسنی - هرزگوین را به شرکت کنندگان ارائه نمود. در این نقشه بخش صرب نشین کرواسی و مناطقی از بوسنی - هرزگوین که به تصرف صربها در آمده، جمهوری صرب نام گرفته است. برای شناخت بیشتر موقعیت جغرافیایی این

روبروست و وسایل و امکانات پزشکی و بهداشتی به سختی یافت میشود. پاره ای از ناظران سیاسی بر آنند که با ادامه وضعیت موجود، سارایوو را تحطلی، سرما و گرسنگی قبل از شکست نظامی به زانو در خواهد آورد. برخورد ضد انسانی نیروهای صرب با زنان بوسنیایی و تجاوز جنسی به آنها نیز یکی دیگر از جنبه ای تکانه دهنده و فاجعه آمیز جنگ جاری در بالکان است. در این میان نفیست وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو در روز ۱۸ دسامبر در بروکسل ضمن بررسی طرحهایی در مورد دخالت نظامی در جنگ بوسنی - هرزگوین شورای امنیت سازمان ملل خواست که در باره ضرورت و چگونگی دخالت تصمیم گیری کند. راست این است که در باره دخالت نظامی ادامه در صفحه ۱۱

دور تازه‌ای از درگیریهای خونین در کابل

ابهام و بی ثباتی هرچه بیشتر اوضاع در کابل پایتخت افغانستان افزوده است.

حزب اسلامی حکمتیار اعلام کرده است که در شورای حل و عقد شرکت نمی کند و علاوه بر آن، با مسدود کردن جاده منتهی به پاکستان مانع تردد کامیونهای حامل سوخت و مواد غذایی به کابل می شود. این اقدام حکمتیار زمستان بسیار سختی را برای ساکنان کابل تحمیل خواهد کرد. برغم درگیریهای اخیر نیروهای دولتی با حزب وحدت اسلامی و شبه نظامیان ازبک، هنوز درگیری و کشمکش اصلی

کابل پایتخت افغانستان در دو هفته گذشته بار دیگر صحنه زدو خورد های خونین بود. این درگیریها که از روز شنبه ۱۴ آذرماه میان نیروهای دولتی و حزب وحدت اسلامی آغاز شد، روز سه شنبه به درگیری میان شبه نظامیان ژنرال دوستم و نیروهای وابسته به دولت کشیده شد. این نخستین درگیری نیروهای دولتی و شبه نظامیان ازبک تحت فرمان ژنرال دوستم بود. سخنگوی وزارت دفاع افغانستان علت درگیری نیروهای دولتی و ژنرال دوستم را ناشی از سوء تفاهم اعلام کرد.

در همین حال اجلاس ۱۵۰۰ نفره "شورای حل و عقد" برای تعیین جانشین برهان الدین ربانی که قرار بود ۱۰ دسامبر برگزار گردد به دلایل نامشخص به تعویق افتاد. گفته می شود درگیریهای اخیر در کابل و عدم امکان حضور برخی نمایندگان از دلایل تعویق تشکیل جلسه شورای مذکور بوده است. در حالیکه وضع متشنج و درگیریهای پراکنده در کابل همچنان ادامه دارد، عدم تشکیل جلسه "شورای حل و عقد" به

حذف حق پناهندگی در آلمان

و ویزای معتبر بلافاصله اخراج خواهد کرد. از آنجا که شرکت های هوایی هیچ کس را بدون داشتن گذرنامه و ویزای معتبر به مقصد آلمان سوار نمی کنند، و از آنجا که هر کس که از دولت متبوع خود گذرنامه و اجازه خروج گرفته است به ندرت می تواند تحت تعقیب بودن خود را به مقامات آلمانی بقبولاند، توافق اخیر به معنای حذف کامل حق پناهندگی است.

۳- دولت آلمان کمک های نقدی به متقاضیان پناهندگی را در سراسر این کشور به حد پول توجیبی تاجیزی کاهش خواهد داد.

۴- جهت تشویق تقات، "انگیزه های مادی" برای آندسته از قضات که حاضر به رسیدگی سریع به پرونده های پناهندگی باشند، ایجاد خواهد شد. این اقدام از سوی محافل دمکرات مورد انتقاد شدید قرار گرفته است. این محافل می گویند تعیین جایزه برای قضات پرکار، مانند دستمزدی است که جلدان قرون وسطی بابت جدا کردن هر سر از تن می گرفتند. از آنجا که هیچ قاضی با وجدانی حاضر نیست در یک رسیدگی ضربتی، سر نوشت انسانی را که ممکن است جانش در خطر باشد تعیین کند، بی می کوشد با تعیین جایزه، ندای وجدان را خاموش کند.

توافق احزاب آلمان به زودی در مجلس این کشور به رای گذاشته خواهد شد و انتظار می رود که اکثریت دو سوم آرای لازم برای تغییر قانون اساسی را بدست آورد. در صورت تصویب این قانون، به نوشته هفته نامه "دی تسایت" تنها کسانی حق ادامه در صفحه ۱۱

احزاب محافظه کار، لیبرال و سوسیال دمکرات آلمان توافق کردند که با تغییر قانون اساسی این کشور، حق پناهندگی سیاسی را محدود کنند. توافق احزاب سیاسی عمده آلمان هر چند حاوی حفظ جمله "افراد تحت پیگرد سیاسی حق پناهندگی دارند" در قانون اساسی است، اما چنان محدودیت هایی را برای اطمینان حق پناهندگی پیش بینی می کند که عملاً به معنای حذف حق پناهندگی است. این محدودیت ها بدین شرح اند:

۱- هر کس که از یک دولت "فیر سرکوبگر" به آلمان پناهنده شود، باید ظرف چند هفته ثابت کند که برای شخص او دلایل کافی جهت پناهنده شدن وجود داشته است. در غیر این صورت، این فرد اخراج خواهد شد. فهرست دولت های "فیر سرکوبگر" را دولت آلمان تهیه خواهد کرد. لازم به یاد آوری است که تعیین چنین فهرستی مقایسه با موازین کنوانسیون پناهندگی ژنو است.

۲- هر کس که در مسیر سفر خود به آلمان، از کشوری بگذرد که پایبندی خود به کنوانسیون پناهندگی ژنو و منشور حقوق بشر اروپا را اعلام کرده است، بدون بررسی تقاضای پناهندگی به این کشور سوم بازگردانده خواهد شد. کلیه همسایگان آلمان از نظر دولت آلمان در زمره کشورهای پایبند به موازین فوق محسوب می شوند. بدین ترتیب از این پس پناهنده شدن به آلمان از طریق مرزهای زمینی غیر ممکن است. پلیس آلمان فردی را که از طریق مرز زمینی وارد خاک این کشور شده باشد، به محض انقضای مدت ویزا و در صورت نداشتن گذرنامه

خارج روسیه در نطقی که یک ساعت پس از ایراد، آن را پس گرفت، هشدار داد که کشورش در آینده جبهه یکپارچه علیه صربستان را ترک خواهد کرد. کوزیروف وزیر خارجه یلتسین در توجیه نطق جنجالی اش گفت هدفش از این سخنرانی تنها این بوده است که به اروپاییها در مورد عواقب خلع ید از یلتسین هشدار دهد.

در مرصه سیاستهای اقتصادی، انتظار می رود که دولت جدید روسیه از آهنگ خصوصی کردن اقتصاد این کشور بکاهد، به کنترل تیمت ها بازگردد و بکوشد عواقب اجتماعی اصلاحات در مسیر سرمایه داری را محدود کند.

انتخاب نخست وزیر جدید روسیه



سرمایه داری بود و می گفت گسترش فقر و محرومیت را باید پذیرفت تا اصلاحات ضروری انجام پذیرد. نخست وزیر جدید، پس از انتخاب به ریاست دولت این شعار را سرلوحه برنامه خود اعلام کرد: "اصلاحات آری، فقر نه". ویکتور چرنومیردین از مقامات هلر تبه دولت گارباچف و یلتسین بوده است. آخرین سمت او معاونت نخست وزیر بود. چرنومیردین نماینده مدیران صنایع روسیه محسوب می شود. برخی مطبوعات غربی با اشاره به نطق گذشته وزیر خارجه روسیه در کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در استکهلم معتقدند که روسیه از این پس از اروپا فاصله خواهد گرفت. وزیر

یگور حیدر سیاستمدار مورد حمایت یلتسین رئیس جمهور روسیه در اس کابینه این کشور، در هفته گذشته بدنبال توافق یلتسین و روسلان خاسبولاتف رئیس پارلمان مقام خود را از دست داد. کنگره نمایندگان خلق روسیه بجای حیدر، ویکتور چرنومیردین را به ریاست دولت برگزید. چرنومیردین از سوی یلتسین به کنگره پیشنهاد شد و کنگره با اکثریت نیرومندی به فرد جدید رای مثبت داد.

سیاستهای اقتصادی حیدر در اجلاس کنگره نمایندگان خلق به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. نخست وزیر برکنار شده یلتسین، مدافع مشی تحول سریع به سمت